

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران
موضوع: ...
تاریخ: ...
شماره: ...

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران



Handwritten text in Persian script, likely a document or report, with some words underlined in red.



صورت مذاکرات شورای انقلاب

مجله سپهر

مرداد ۱۳۵۸

جلسه سه‌شنبه 1358/5/2

[حاضران: هاشمی [رفسنجانی]، شیبانی، بهشتی، مهدوی [کنی]، خامنه‌ای، مسعودی، سبحانی (دکتر صدر، 9/10) (مهندس موسوی).

[موضوع: لایحه مطبوعات:]¹

1. پس از انقلاب، رسیدگی به وضع مطبوعات، یکی از مسائل در دستور کار دولت موقت و شورای انقلاب بود. خردادماه 58، ناصر میناچی، وزیر ارشاد ملی قول داد هرکس با هر عقیده‌ای می‌تواند روزنامه منتشر کند (کیهان، 1358/3/22، ص 4). لایحه قانونی مطبوعات در دولت موقت تهیه و برای تصویب به شورای انقلاب ارسال شد. 21 تیر 58، متن لایحه مطبوعات منتشر شد. از مهم‌ترین موارد لایحه این بود که کلیه مقامات و وابستگان رژیم سابق، حق انتشار نشریه ندارند. همچنین هر مقام دولتی سانسورگر به انفسال ابد از خدمات دولتی و تحمل زندان محکوم می‌شود (کیهان، 1358/4/21، ص 8 و 4). این لایحه واکنش‌هایی را به همراه داشت. جبهه دموکراتیک ملی ایران در این رابطه اعلام کرد اصلاً مطبوعات به قانون نیاز ندارند، چرا که فعالیت آنها در شمار فعالیت‌های عادی جامعه است (کیهان، 1358/4/12، ص 8). از سوی دیگر، روزنامه جمهوری اسلامی در نامه‌ای سرگشاده به وزیر ارشاد ملی نوشت: خلق به شما هشدار می‌دهد چرا مجازاتی را که برای حرکت‌های ضدانقلابی در مطبوعات در نظر گرفته شده تخفیف دادید؟ (جمهوری اسلامی، 1358/4/21، ص 2). آیت‌الله شریعتمداری هم اظهار داشت: مطبوعات باید آزاد و در عین حال از توطئه‌چینی برکنار باشند (کیهان، 1358/5/21، ص 3). در همین ایام، ارتش به دلیل انتشار خبر تحصن همافران نیروی هوایی در سراسر کشور، علیه روزنامه آیندگان اعلام جرم کرد (جمهوری اسلامی، 1358/4/24، ص 8).

چنان که در مشروح مذاکرات آمده، پس از چند جلسه بحث و بررسی، قانون مطبوعات به تصویب رسیده و اعلام می‌گردد نشریات فقط با سرمایه ایرانی اجازه نشر خواهند داشت (اطلاعات، 1358/5/16، ص 1). همین روز، توقیف روزنامه آیندگان به اتهام توطئه علیه انقلاب ایران ابلاغ شد. دادستان انقلاب اسناد ارتباط آیندگان با اسرائیل و سیا را منتشر کرد. با این وجود، معاون مطبوعاتی ارشاد گفت: تعطیلی آیندگان ارتباطی با تصویب لایحه مطبوعات ندارد. جبهه ملی به توقیف مطبوعات اعتراض نموده و هشدار داد روش غیردموکراتیک دولت در محو آزادی‌های قلم و بیان، زنگ خطر است (کیهان، 1358/5/17، ص 2 و 4). اما در مقابل، نهضت آزادی معتقد بود: توقیف روزنامه‌ای که به نشر اکاذیب و اتشار اسرار نظامی می‌پردازد، محدودیت اندیشه و بیان نیست (کیهان، 1358/5/28، ص 10). به هر حال، سخنگوی دولت اعلام کرد روزنامه آیندگان به نفع بیت‌المال مصادره شده است (کیهان، 1358/5/18، ص 2). بیست و یکم مرداد 58، تظاهراتی به دعوت جبهه ملی دموکراتیک، و با عنوان دفاع از آزادی مطبوعات و مخالفت با تعطیلی آیندگان در دانشگاه تهران برگزار کرد که به خشونت کشیده و با زدوخورد مخالفان و موافقان تعطیلی آیندگان، صدها مجروح برجای گذاشت. با این وجود، وزیر ارشاد به همگان اطمینان داد قانون جدید مطبوعات مدافع آزادی قلم است (کیهان، 1358/5/22، ص 3 و 8). همچنین در مقابل، به دعوت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، یک راهپیمایی در تأیید رأی دادستان انقلاب درباره روزنامه آیندگان برگزار شد (جمهوری اسلامی، 1358/5/23، ص 2). پس از چند روز اعلام شد که 22 روزنامه و مجله، طبق دستور دادستان انقلاب توقیف گردیده است (کیهان، 1358/5/29، ص 2). در خصوص تخلفات مطبوعات نیز مقرر شد

بهشتی: لایحه مطبوعات قرائت شد.

1) بولتن سفارتخانه‌ها؟

2) سن 22؟

4) عدم مجرد ... طوری ادغام شود

3) نداشتن محکومیت کیفری...

6) داشتن پایه تحصیلی در مورد اهل علم (جلالی آمد، 9/40).

تبصره 1- ماده دو، رسیدگی بیشتری شود.

موسوی: طبقه متوسط اداری، خریدار این روزنامه‌های ضد دولت هستند و سبب ناراضی تراشی است.

[موضوع: آرم اسکناس‌های جدید:]

هاشمی: کلمه آرم آقای خمینی جلوی نشر اسکناس را گرفته‌اند. آرم جمهوری اسلامی لازم است.

بهشتی: آرمی درست کرده‌اند.

فوریت آرم برای اسکناس مطرح شد. یک آرم آقای بهشتی داشتند.

مهندس موسوی: عکس سید جمال^۱ روی اسکناس باشد.

خامنه‌ای: بسیار جالب است، شخصیت سید جمال است.

بهشتی: جلسات منظم باشد (خامنه‌ای رفت، 10). عموم جلسات ما با یک ساعت، یک ساعت و ربع تأخیر شروع

می شود. یکشنبه و پنجشنبه جلسه [است]، اگر کم بود سه‌شنبه [هم جلسه باشد].

تا دادگستری و دادگاه‌های انقلاب به این مسئله رسیدگی نموده و کمیسیونی متشکل از مستشار دیوانعالی کشور، نماینده شورای انقلاب و وزیر ارشاد، کلیه درخواست‌های حق امتیاز نشریات را مورد بررسی قرار می‌دهند (کیهان، 1358/6/13، ص آخر).

1. سیدجمال‌الدین اسدآبادی (75-1217ش) از نظریه‌پردازان وحدت اسلامی و ضدیت با استبداد و استعمار.

[موضوع: مشروبات الکلی:]

ماده واحده: در مورد مشروبات اقلیت‌ها که بتوانند به خارج ببرند.

دکتر صدر: مشروبات موجود در گمرک را به صاحب اولیه برگردانیم. به دولت اجازه بدهید حقوق گمرکی و سود بازرگانی را بازپرداخت نکند.

شیبانی: به سفارتخانه‌ها اعلام شود که سعی کنند افرادی بیایند که مشروب نخورند (مسعودی رفت 10/10).

[موضوع: پخش موسیقی:]¹

جلالی: مسئله موسیقی بررسی شود. از قول آقا نوشتند ممنوع شود. با قطع موسیقی سبب فساد اخلاق شده، باید کمی جدی‌تر رسیدگی کرد و دولت وارد عمل شود. از اول انقلاب ترانه، صدای زن حذف شده، دولت هیچ اقدامی نکرده، جلوی کمپانی تکثیر کاست را بگیرد. طبقه مستضعف نوار کاست را به هشتاد تومان می‌خرند [که] رکیک‌ترین و کثیف‌ترین حرف‌ها در آن است. اولاً رادیوی ما را گوش نمی‌کنند. لرها، کردها و بلوچ‌ها و آذربایجان عادت به موسیقی دارند. در آذربایجان، باکو را گوش می‌دهند، خوزستان هم بیش‌تر. با دستور آقا بدتر می‌شود. در داخل خود تهران و جاهای دیگر کاست هست. اگر اولویت وحدت کشور است، اگر بنا بر قطع است، جلو کاست‌ها هم گرفته شود. اگر سیاست کلی آقا از نظر موسیقی روشن شود [خوب است]. گزارش‌هایی به آقا داده می‌شود [که] کلی است.

بهشتی: در این مورد باید تصمیم جدی گرفت.

1. دوم مرداد 58 اعلام شد که از این پس پخش موسیقی از رادیو تلویزیون ممنوع بوده و تنها اجازه پخش سرودهای انقلابی و مارش داده شده است (اطلاعات، 2/5/1358، ص 12). این نگرش بدبینانه نسبت به موسیقی، مدت‌ها ادامه یافت. چنان که در خاطرات هاشمی رفسنجانی آمده، اردیبهشت 60 قرار بود دستوری از امام خمینی در اخبار پخش شود "که هرگونه آهنگ موسیقی را گرچه همراه سرود، ممنوع می‌کند". بنا به روایت هاشمی، آیت‌الله بهشتی به ملاقات امام رفته و با وی در این زمینه مذاکره می‌کند و جلوی اعلام پخش این دستور را می‌گیرد (خاطرات هاشمی رفسنجانی در سال 1360: عبور از بحران، ص 8-107).

سحابی: موسیقی زیادی مخدر است. باید حدودی آورد که مخدر نباشد. هم تحریک انقلابی باشد، یک دفعه حذف شود.

مهندس موسوی: موسیقی این پنج ماه سیر نزولی گرفته.

جلالی: مقابل کمپانی‌های کاست، رادیو کاری نمی‌تواند بکند.

مهندس سحابی: ببینید از این سی و پنج میلیون، چند نفر موسیقی گوش می‌دهند.

[موضوع: اکتشاف معادن:]

بهشتی: پروانه اکتشاف معادن را خوابانده‌اید.

دکتر صدر: سهامی که از صنایع گرفته شده، اگر به مردم برگردانده شود درست نیست.

جلالی: یک دیوان‌سالاری دولتی درست می‌شود. یک برنامه دولت و مردم درست کردیم، از طرف نخست‌وزیر گواهی و غیره سراغ وزیر صنایع و معادن گفتم شما با این دیوان‌سالاری صنعتی چه می‌کنید [؟] فکر کردید مردم داخل کار شوند [؟]

مهندس سحابی: [برای] کار اکتشاف، مؤسسه خصوصی برای این کار نداریم. عده‌ای گرفته‌اند و رها کرده، عمل می‌کند.

بهشتی: مهلت قائل شوید وزیر کشاورزی از این طرف.

1) لایحه منظور نمودن به حساب قطعی اسناد خرید و حمل کالاهای مورد نیاز ... 8788-58/4/26. تصویب شد.

2) لایحه اجازه فروش عرصه خانه‌ها و باغ‌ها در اراضی خوزستان تصویب شد.

3) لایحه جلوگیری از تجاوز و تصرف عدوانی املاک مزروعی تصویب شد.

جلسه پنج‌شنبه 1358/5/4

[حاضران: مهندس سبحانی، شبیبانی، دکتر ایزدی.]

در مورد لایحه صید مهندس سبحانی توضیحی خواست (هاشمی آمد، مهندس کتیرائی آمد، جلالی، دکتر صدر، مهدوی، مسعودی، دکتر بهشتی، باهنر آمدند).

[موضوع: بحران کردستان:]

هاشمی: حدود سه چهار هزار [نفر از] مردم به تحریک کمونیست‌ها، که ارتش قصد حمله دارد، رفته‌اند در خارج شهر. شورای شهر که اسم خود را اسلامی گذاشته و بیش‌تر کمونیست هستند، تصمیم‌گیرنده است. با شورا توافق نشده (میناچی، قطب‌زاده [آمدند])، می‌خواهند که پاسداران بروند و ارتش هم دخالت نکند.

بهشتی: مریوان پایگاه مسلمان‌ها و نقطه اتکاء بوده. برخوردی که پیش آمده، حالا عکس شده. هاشمی نظری دارد. کردها اکثریت تابع قدرت است و حزب دموکرات کردستان ایجاد وحشت کرده. در پاوه صد و پنجاه پاسدار مسلح است که مردم، دولت را تأیید می‌کنند، گزارشی است، آقای خمینی به‌طور قاطع می‌گفتند چقدر معطل می‌کنید، با قدرت اقدام کنید، سران آنها را بگیرید، بیاورید.

هاشمی: مذاکره‌ای از طریق استاندار سنندج با آنها بشود. اگر حل نشد، چند نفر [از] سران را بگیرند. رئیس حزب دموکرات مهاباد، شانزده نفر از آنها را گرفته‌اند، چهل اسلحه داشته‌اند. ظاهراً یکی از آنها ساواکی است.

بهشتی: مسئله مهم تبلیغات [است]، چه به زبان کردی.

هاشمی: فارسی می‌فهمند.

مهدوی: مصاحبه لاهوتی خیلی محتوا نداشت (معین فر آمد، 9/30).

بهشتی: لایحه مطبوعات، ماده دو، با سرمایه ایرانی آزاد است (قطب‌زاده رفت 9/30، دکتر ایزدی رفت 9/40).

معین‌فر: در مورد بودجه پاسداران و کمیته‌ها، هفت میلیارد تصویب شد.

بهشتی: در جریان کردستان، پاسداران هیچ پول نداشتند (خامنه‌ای آمد، 9/45).

[موضوع: لایحه مطبوعات:]

میناچی: پیشنهادی است که به منظور کمک به انقلاب اسلامی باشد.

بهشتی: نمی‌شود. سایر مطبوعات را باید جلوگیری کرد، ماده دو.

معین‌فر: تبصره اضافه شود [که] بولتن‌های خبری مستثنی است.

کتیرائی: چرا اسم سرمایه برده شود [؟]

میناچی: می‌گفتند روزنامه زبان خارجی چرا نیست (دکتر سبحانی آمد، 9/55). روزنامه‌هایی است با قیمت گران

تمام می‌شود، ولی رایگان می‌دهند.

مهدوی: لزومی ندارد ذکر شود این استثنا.

بهشتی: لازم است لایحه کامل باشد.

میناچی: سفارتخانه‌ها بولتن داخلی است.

بهشتی: کسی در خارج نشریه صد شماره‌ای برای عموم منتشر می‌کند.

میناچی: عموم یعنی برای همه منتشر کنند.

بهشتی: متقاضی انتشار واجد شرایط زیر باشد، تابعیت ایران به غیر ایرانی نمی‌دهند.

میناچی: نه.

بهشتی: در آلمان ما نشریه داشتیم.

میناچی: آنها وضع ما را نداشتند.

بهشتی: این قیود ارتجاعی است. جلوی خارجی را می‌شود گرفت.

باهنز: چه اشکال دارد نشریه خارجی منتشر شود، صاحب امتیاز خارجی باشد.

دکتر صدر: مسئله مهم تابعیت این است که فرار نکند [و] بشود [او را] گرفت.

بهشتی: قانون مجرمین بین‌المللی می‌شود اقدام کرد.

کتیرائی: متقاضی خارجی باشد، سرمایه ایرانی.

بهشتی: لایحه محکم باشد و مترقی.

هاشمی: مؤسسه‌ای در خارج ثبت می‌دادند، بعد منتشر می‌کرد. اکثریت آنها را می‌گفتند شخصیت حقوقی اکثریت مربوط به خود کشور باشد.

میناچی: ما مورد تهاجم هستیم. عرب‌های اردن آمده بودند، می‌گفتند هیچ‌جا سابقه ندارد این قدر خارجی بعد از انقلاب باشد.

خامنه‌ای: تابعیت ایران عیب ندارد.

بهشتی: 22 سال برای چه [؟]

میناچی: بیست و دو سال حد لیسانس است، برای این که بتواند کسب تجربه کند.

خامنه‌ای: این یک شرط است، مقطع سنی است.

مهدوی: گفتم بیست و دو سال و نیم باشد.

میناچی: بدون دیپلم گفتم 25 سال باشد. برای دیپلم خواستیم تجربه پیدا کند.

معین‌فر: شرط دیپلم بی‌خود است. صلاحیت علمی و اخلاقی تأیید شود. برای هر کدام از سنین، یک محملی هست. سن کم باشد.

دکتر صدر: اگر تنها شرط دادن امتیاز، سن بود می‌گفتند هرج و مرج می‌شود. درست است، ولی چند شرط دیگر دارد. از نظر شرعی در یک حد حقوقی دارد. تمام لوایح ما با قانون اساسی سنجیده می‌شود. در آن آمده بود تمام حق دارند.

کتیرائی: 25 سال را بنویسید.

جلالی: شرط سنی ننویسید. کسی خواست نشریه دانش‌آموزی منتشر کند، چه دلیل دارد [که] موظف باشد [؟]

بهشتی: دلیل محدودیت سنی یک دلیل بالا می‌خواهد. شما از طریق مواد دیگر قید بزنید.

(مهندس بازرگان آمد، 10/05) 22 سال رد شد.

سن نباشد، تصویب شد.

محروم نبودن از حقوق کیفری.

میناچی: محرومیت مجازات تبعی است و در قانون تجارت و قانون مجازات جداشت.

بهشتی: ورشکسته به تقصیر، روزنامه نداشته باشد.

میناچی: کلاهبرداری است. کیفری خاص است.

بهشتی: چون مجزا کردید، در قانون دو ماده دارد.

میناچی: فرق دارد. نحوه مجازات فرق می کند، باشد.

تصویب شد.

بهشتی: تقوای سیاسی و صلاحیت اخلاقی در ماده 5 کافی است. امانت و درستی حذف شود.

معین فر: اینجا را هم منفی بگذاریم، اشتها به نادرستی و ... نداشته باشد.

بهشتی: پیشنهاد کتیرائی و معین فر، نداشتن سوء شهرت اخلاقی و تقوای سیاسی.

هاشمی: نداشتن سوء سابقه تصویب شد. خود ماده، تقوای سیاسی و صلاحیت اخلاقی، ماده شش.

مهدوی: داشتن برای تقوای سیاسی باشد.

بهشتی: شرط داشتن گواهینامه در مورد تحصیل کرده های حوزه علمیه سابق هم گرفتاری بود.

معین فر: مدرک لازم نیست.

میناچی: 5 سال سابقه داشته باشد.

باهنر: زمان دکتر مصدق در کرمان ما، دو نفر صاحب امتیاز شدند که یک نامه نمی توانستند بنویسند.

شیبانی: در مورد طلبه ها بنویسید حدود خارج باشد، یا سطح را تمام کرده.

میناچی: ماده 5 داریم، اگر برداریم.

خامنه‌ای: شرط خواندن و نوشتن، طبیعی و قهری است و لازم است در چیزی که سواد لازم است حدی باشد. دوره کامل دبیرستان در حکم سواد است، برای متقاضی، آن طرف قضیه درست است، کسانی هستند [که] دیپلم ندارند، ولی سواد دارند.

میناچی: ببینید نسبت به این مواد مردم چه گفته‌اند. تمام نشریات روی مواد را آورده‌ام. راجع به ماده دو خلاصه نظریات را بخوانم. ذکر بیست سال گول‌زننده است.

شیبانی: شرط باشد تا همه کس روزنامه نگیرد.

کتیرائی: داشتن لیسانس یا درجه اجتهاد [؟]

دکتر سبحانی: چه لزوم دارد لیسانس باشد [؟] احراز صلاحیت کافی باشد، تحصیل برای مدرک از بین می‌رود. همین مدرک است وضع ما را [...]

جلالی: تشخیص صلاحیت متقاضی با کمیسیون باشد.

بهشتی: ماده با آن شکل تصویب شد.

تصویب شد داشتن گواهینامه لیسانس یا دارا بودن صلاحیت علمی کافی به تشخیص کمیسیون مندرج در ماده 4 این قانون.

بهشتی: یا که می‌آید مشروع به الفای مدرک بود.

جلالی: کسی گواهینامه لیسانس داشت، ولی صلاحیت او مورد قبول کمیسیون نشد.

بهشتی: مدرک تحصیل را از اعتبار بیاندازیم بد است، ولی یک شرط است.

تبصره مطرح شد.

بهشتی: نماینده انجمن شهر و...

میناچی: انجمن شهر تهران فقط مطرح بوده.

بهشتی: خیلی جاها داشته است.

معین‌فر: بنویسیم مشمولین ماده ... انتخاب مجلس خبرگان.

هاشمی: وزرا، معاونین، وکلا، سناتورها.

میناچی: خود مطبوعاتچی را بگذاریم، وابسته رژیم شامل آنها می‌شود. چهار مجله تعطیل شد، فردوسی و غیره.

بهشتی: نخست‌وزیران، وزیران، استانداران.

کتیرائی: استاندار ایلام یک چیز جزئی است. معاونش را دیگر چه‌کاره است [؟]

بازرگان: شافعی‌ها ضرر ندارند، روزنامه اش را نمی‌خرند. دست اندرکار مطبوعات بوده‌اند، خطرناک است.

بهشتی: طبق لایحه قبل، عده‌ای مشمول شده‌اند و محروم. نخست‌وزیران، وزیران، استانداران.

بازرگان: معاونین کار می‌کردند، برای بارکشی آنها را می‌آوردند (سابق بار برای شاه بود، حالا برای خداست).

امرای ارتش و شهربانی و ژاندارمری، رؤسای سازمان‌های مستقل دولتی.

معین‌فر: شرکت نفت ... قانونی دارد که جز آن که ذکر نام آنها شود، شامل نمی‌شود.

بهشتی: کلیه شرکت‌ها و مؤسسات دولتی که ذکر نام آنها لازم است، مدیران عامل، نمایندگان مجلسین، شهرداران

تهران و نمایندگان انجمن شهر و شهرستان تهران.

مهدوی: افرادی که از طریق مطبوعات به رژیم گذشته خدمت کردند.

بهشتی: کسانی که از طریق مطبوعات و رادیو تلویزیون یا سخنرانی، خدمتگزار رژیم سابق بوده‌اند (بدون ذکر

محدودیت زمان).

جلالی: [در] انجمن‌های شهرستان‌ها هم افراد نایاب بوده.

بهشتی: وکلای مستعفی تا پنج سال بود.

خامنه‌ای: قبل از اعلام رأی، حرفی دارم. [در مورد] کسانی که خدمتگزار رژیم بوده‌اند، مدت ندارد [؟]

بهشتی: مقطع زمانی 15 خرداد برای آن جرایم مقطع بوده. بسیار خوب کسانی که در این مدت [...]]

میناچی: دو نظریه است. ساواکی‌ها ذکر نشده، سندیکای کذایی روزنامه‌نگاران [و] عمال ساواک هم اضافه شود.

خامنه‌ای: عمال ساواک ممکن است شامل یک دانشجو باشد که در اثر کتک، ابراز همکاری کرده. [از] اعضای ساواک ممکن است [کسی] خوب باشد.

بهشتی: اعضای ساواک (قبل از وابستگی) تصویب شد. نماینده مستعفی چه شد [؟]

معین‌فر: نمایندگان مستعفی همان 5 سال باشد.

بهشتی: نمایندگان مجلسین به استثنای آنها که به دستور امام استعفا کردند.

جلالی: برای مطبوعات، قید 15 خرداد گذاشتن درست نیست.

میناچی: به استثناء خوب است. نمایندگانی که در دوره آخر نبوده‌اند حق شان تضییع می‌شود.

کتیرائی: افراد شاغل در مصادر دولتی، روزنامه نداشته باشند.

دکتر صدر: مقداری ظلم می‌شود. معاونین و قائم‌مقام‌های زمان بختیار.

بهشتی: اینها از بدترین هستند.

دکتر صدر: ابلاغ صادر شد، ولی نیامدند.

بهشتی: ماده سه، مرکز استان بفرستد یا شهرستان نزدیک.

میناچی: مرکز خودش می‌رود.

کتیرائی: تصدیق‌نامه و ...

میناچی: به امتیاز اعتراض شد، گفتیم تصدیق‌نامه.

بهشتی: فرهنگ برای عموم است. سوال شده، گفته‌اند امتیاز نباشد گواهی‌نامه.

مهندس بازرگان: پروانه باشد.

میناچی: اعتراض کردند، گفتند پروانه جو و غیره.

بهشتی: پروانه انتشار غیر از شش تصویب شد.

خامنه‌ای: نوع فکرش را مشخص کند.

میناچی: برای این که به مردم نشان بدهیم، تغییر رویه داده.

بازرگان: قانون آزادمش و باز بوده. هرکس آزاد بود نباید باشد. روح مواد مختلف که حتی استاندارد و غیره محروم شده، برای جلوگیری از قلم به دست دشمن افتادن است. یک پا انگیزسیون مشخص است. فقط معلوم شود چه عقایدی دارد.

کتیرائی: شاهکار لایحه مطبوعات این باشد که افراد موضع خود را مشخص کنند. بزرگ‌ترین لطمه از منافقین است. [اگر] مارکسیست هم باشد، بگوید. اگر آیندگان را مردم می‌شناختند، نمی‌خریدند.

بهشتی: تأمین نمی‌کنند. یکی از آنها می‌نویسد بی‌تفاوت. پنج درصد غیرمارکسیستی یا اسلامی‌نما، 95 درصد ضدنهیضت. از طریق دیگر جلو بگیرد. سمپاشی را جلوگیری کنید.

معین‌فر: گذاشتن این جز آن که لایحه را لکه‌دار کند، اثر عملی ندارد. موقعی طبقه‌بندی است ...

بهشتی: بحث کافی است.

کتیرائی: ما جلو نمی‌گیریم، مردم جلو می‌گیرند، اگر اعتقادش قابل بیان نیست.

میناچی: احتمالاً روزنامه انحراف پیدا کند و آن جلوگیری، بدترین نوع است. اگر واقعاً حرفش را بزند خوب [است].

بهشتی: می‌گوید نشریه بی‌تفاوت هستند.

میناچی: مردم می‌فهمند.

تصویب شد.

جلالی: روش سیاسی و اصول فکری به‌جای آن موضع سیاسی - فکری.

بهشتی: موضع سیاسی، فکری و اعتقادی آن.

تبصره یک - پروانه انتشار.

تبصره دو - (روش‌ها را رأی نمی‌گیرم) درخواست‌نامه تقاضانامه، اقامتگاه متقاضی.

دکتر صدر: هرگونه ابلاغ در محل مذکور.

بهشتی: محل اداره ... در حکم اقامتگاه قانونی ... تصویب شد.

تبصره 3- پروانه انتشار.

ماده 4- پروانه.

مهندس بازرگان: شخصیت‌های حقوقی که تصویب شد، یا مدیر مسئول که معرفی کنند.

میناچی: شرکت اول خوب است، مدیر معین می‌کند، بعداً مدیر آن عوض می‌شود. جمعیت سیاسی حق نشریه دارد. فرد بیاید، درخواست کند.

مهندس بازرگان: اگر فردی می‌خواهید که رسیدگی شود، اگر فرد را عوض کرد، در مورد بعدی رسیدگی [به] صلاحیت می‌شود.

معین‌فر: عملاً جلوگیری نشده.

مهندس بازرگان: حزب صاحب امتیاز شود، لازم است.

معین‌فر: احزاب و جمعیت‌ها می‌توانند نشریه داشته باشند، به شرطی که فرد صالح معرفی کند [کنند].

میناچی: پروانه به نام حزب باشد.

مهندس [بازرگان]: بلی، باشد، ولی فرد را معرفی کنند.

کتیرائی: مثل شرکت‌ها.

میناچی: احزاب و جمعیت‌های سیاسی ... می‌توانند نشریه داشته باشند، مشروط بر این که فرد مسئول معرفی نمایند.

مهندس بازرگان: احزاب و جمعیت‌ها باشد، لازم نیست سیاسی باشد.

هاشمی: مؤسسات [به] ثبت رسیده.

بهشتی: احزاب و جمعیت و مؤسسات ثبت شده.

مهندس بازرگان: شرکت‌ها هم.

میناچی: احزاب توده و غیره ثبت می‌خواهند بکنند.

خامنه‌ای: مغایر با قانون نباشد، ثبت را برداریم.

بهشتی: به ثبت رسیده باشند، اضافه شود. می‌توانند درخواست پروانه انتشار نشریه کنند، مشروط بر این که مسئول واجد شرایطی را معرفی کنند.

تبصره 3- اصلاحی خوانده شد.

مهندس بازرگان: مدیر مسئول.

خامنه‌ای: مدیر واجد شرایط.

تصویب شد.

بهشتی: ماده 4- فقط در تهران باشد.

میناچی: بفرستند آنجا.

بهشتی: چرا دانشگاه تهران [؟]

میناچی: دانشگاه‌های دیگر هم هست.

بهشتی: یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر آموزش عالی.

مهندس بازرگان: حق را به دلیل شیخوخیت بدهید به [دانشگاه] تهران.

بهشتی: نماینده روحانیت لازم است.

میناچی: به انتخاب چه کسی [؟]

مهندس بازرگان: نخواستند جدای از ملت باشد.

خامنه‌ای: یکی از اساتید حوزه علمیه قم به معرفی هیئت مدرسین حوزه.

بهشتی: تمام اینها قید شود معتقد به انقلاب اسلامی باشند.

شیبانی: مسلمان باشد.

مهندس بازرگان: ممکن است بگویند شیعه اثنی عشری معتقد به انقلاب اسلامی باشد. این جور شرایط مثل دیوار کوتاه باغ است، جلوی دزد را نمی گیرد، ولی جلوی حلال زاده را می گیرد.

بهشتی: در این کمیسیون صرفاً کسانی که از چهره های شناخته شده اسلامی [هستند] باشند.

مهندس بازرگان: شناخته شده مبهم است.

بهشتی: کسانی باشند [که] رفتار آنها اعتقاد و الزام [التزام] آنها را به اسلام نشان دهد، به انقلاب مؤمن باشد.

خامنه ای: اعتقاد به انقلاب اسلامی ایران کافی است.

بهشتی: در جامعه ایدئولوژیک، تساهل ممکن نیست. در شوروی استاد مسلمان را به جرم اسلام، اجازه تصدی هیچ یک از مقامات حزبی را نمی دهند. اسلام شرط آن را عدالت می داند.

کتیرائی: رسیدگی به صلاحیت از اشخاص ذی صلاح و مؤمن به انقلاب اسلامی به شرح زیر است.

میناچی: آنچه حمله می شود کِش دار است. این برای ایجاد اختناق است. ما هر دو سر آن گیر هستیم.

بهشتی: شرط آن واجد بودن عدالت اسلامی است.

هاشمی: در شرایط موجود، عدالت را ضعیف کردیم.

معین فر: تعداد را طوری کنید که عادلین [در] اقلیت نباشند.

تصویب شد پیشنهاد کتیرائی.

هاشمی: تعریف عدالت.

بهشتی: کسانی که در او خداترسی بازدارنده از کارهای خلاف و ...

مهندس بازرگان: انقلاب اسلامی ایران، اشخاص ذی صلاح و مؤمن به انقلاب اسلامی ایران ...

تصویب شد.

مهندس بازرگان: در روزنامه وقت دیدید به دستور دادستان بخشنامه شده به محاضر و دفترخانه و ادارات [که] از معامله اتومبیل پیکان جلوگیری شود.

بهشتی: جواب آن این است. صحبت شد با آقا و تمام شده، آقای قدوسی دادستان انقلاب می‌شود.
خامنه‌ای: معاونین دارد.

بهشتی: آقای قدوسی می‌آیند. برای دادگستری هم باید اقدامی کرد.

هاشمی: خبری داد صباغیان [که] سندج اعلام کرده فردا ساعت ۵ صبح راهپیمایی به مریوان به حمایت از آواره‌ها [صورت می‌گیرد].

بهشتی: دولت نیروهای مسلمان کردستان را بسیج کند. مسامحه حاج سیدجوادی سبب شد توده‌ای باشد.
خامنه‌ای: شورای مهاباد رقبای عزالدین است، در حد سقوط است. عزالدین در بانه و اطراف موجه است. شانزده یا بیست [تن از] علمای مهاباد تلگراف کردند در فرماندوم دخالت می‌کنیم (دکتر سحابی و مهندس سحابی رفتند 12/10). مهدوی می‌گفت یک ریسک بکند. چندین مدرسه و درمانگاه و چند راه روستایی مهاباد، صدایش در نمی‌آید، پادگان را ببرند بیرون.

مهندس بازرگان: چمران چیزهایی گفته.

هاشمی: دست ما باز باشد.

میناچی: 280 نفر از کردستان رفتند پیش آقا از اوقاف.

1. چند روز بعد به صورت رسمی اعلام می‌شود که با استعفای هادوی، حجت‌الاسلام علی قدوسی دادستان کل انقلاب شد (کیهان، 1358/5/18، ص 2).

جلسه یکشنبه 1358/5/7

[حاضران: جلالی، میناچی، موسوی [اردبیلی]، بهشتی، مسعودی (مهندس بازرگان، مهندس سبحانی، شیبانی، باهنر، قطب‌زاده، هاشمی [رفسنجانی]).

[موضوع: بررسی مسائل مختلف:]

مهندس بازرگان: مسائل کردستان و آذربایجان غربی مطرح شد¹.

بهشتی: کمیسیون خاص برای رسیدگی به این کارها تشکیل شود.

مهندس بازرگان: یک آمریکایی را گرفته‌اند و هادوی گفته یک میلیون تومان کفیل باید بدهد سفارت (بنی صدر آمد، مهندس بازرگان رفت 9/35، دکتر صدر آمد 9/35).

بهشتی: سوالی از دکتر سامی در مورد جامعه زنان انقلاب اسلامی به شیبانی ارجاع شد. حزب توده نامه نوشته که دفاتر ما را می‌سوزانند.

بنی صدر: [از] روزنامه انقلاب اسلامی، صفحه وسط آن را که مربوط به مریوان بوده، برداشته‌اند.

بهشتی: مسئله بانک‌ها، شرکت دوستان در کارها از طرف شورا ابلاغ صادر شود که به‌عنوان نماینده شورا در وزارتخانه‌ها حضور پیدا کنند.

مهندس سبحانی: امکان تبلیغ به دیگران باید داد. مثلاً حبیبی از خارج آمده، در نوشتن قانون اساسی دست داشته. قطب‌زاده: تنها این فرد است، بقیه را می‌خواستند تبلیغ کنند.

بهشتی، نامه راجع به کردستان و پیشنهادهای راجع به کشور داشت، قرائت شد.

1. در این ایام، تنش‌هایی در مناطق کردستان و آذربایجان غربی رخ داده و گروه‌های مسلح درصدد شکستن اقتدار نیروهای نظامی و امنیتی بودند. ارتش به افراد مسلح در آذربایجان اخطار شدید کرد و استاندار آذربایجان غربی اعلام نمود مانور ارتش در منطقه تا هنگام برقراری امنیت ادامه دارد (کیهان، 1358/5/1، ص 3). ناآرامی‌ها در آذربایجان زمانی اوج گرفت که افراد مسلح با تصرف یک گروهان و شش پاسگاه، ژاندارم‌ها را خلع سلاح کردند (کیهان، 1358/5/3، ص 2). با این وجود، ارتش در مناطق حساس کردستان و آذربایجان تقویت شد (اطلاعات، 1358/5/4، ص 2) تا از تنش‌های بیش‌تر توسط گروه‌های مسلح جلوگیری شود. این تحولات نگران‌کننده در آستانه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی به‌وقوع پیوست.

[موضوع: لایحه مطبوعات:]

بقیه لایحه مطبوعات مطرح شد. ماده 4، یکی از اساتید حوزه علمیه قم نظر خود را به وزیر مربوط اعلام می کند (مهدوی آمد، 10/10)، کمیسیون نظر خود را.

میناچی: ماده هفت تبصره اش ذکر کرده.

بهشتی: قبول نظر کمیسیون و شکایت از عدم آن نیامده است.

جلالی: اگر کمیسیون ذی صلاح است، وزیر دلایل دارد که تصمیم اشتباه است.

میناچی: برای نظر وزیر و کمیسیون، هر دو حق شکایت باشد.

بنی صدر: دادگاه آیا صلاحیتش بیش از کمیسیون است [؟]

هاشمی: اگر کمیسیون نفی کرد، اصلاً پیشنهاد نشود.

دکتر صدر: ممکن است مواردی پیش آید، ترکیب کمیسیون طوری باشد که گروه اسلامی را رد کند. وزیر برای آن که تعادلی به وجود آید، اقدام می کند. وزیر سرپرست مطبوعات است. اگر کمیسیون رد کرد، اظهار نظر نکند درست نیست.

جلالی: ترکیب کمیسیون را عوض کنید.

بهشتی: تبصره یک، در صورتی که متقاضی نسبت به تصمیم نهایی اعتراض داشته باشد، می تواند به دادگاه [...] .

مهندس سبحانی: در نهایت، اختیاری به قوه قضائیه داده شود.

باهنر: همه کسانی که تقاضا کرده اند رد شده، به دادگستری شکایت می کنند.

مهدوی: توهین به کمیسیون است.

دکتر صدر: فرض وزارت ارشاد و کمیسیون سوءنیت دارد، در حالی که ممکن است سوءنیت نباشد. باید یک مرجع قضایی باشد که رسیدگی کند. اینجا هم استثناء نیست، همه جای دنیا این طور است.

هاشمی: هر جا مراجعه کردم نداد، می‌روم دادگاه.

بهشتی: حق آزادی نسبت به همه حقوق مهم‌تر است.

قطب‌زاده: کمیسیون قوی‌تر از دادگاه است.

هاشمی: یک قاضی لغو کند، درست نیست.

دکتر صدر: در امریکا یک قاضی تصمیم‌کننده را رد می‌کند. تازه آخرش دیوان کشور است که پنج قاضی دارد.

بهشتی: در امریکا، انگلیس و آلمان قاضی مشهود است.

بنی صدر: در انگلیس دکتر تقی‌زاده را می‌خواستند بکشند، دادگاه لوث کرد.

بهشتی: نظر نهایی از وزیر گرفته شود.

هاشمی: اگر کمیسیون پیشنهاد نداد، وزیر نمی‌تواند تصویب کند. وزیر حق وتو دارد، اگر زیادی است بگیرد.

موسوی: کمیسیون صلاح ندید، پیشنهاد نمی‌دهد. اصل کار مربوط به وزیر است. کمیسیون مقداری رأی او را تبدیل می‌کند. کمیسیون و وزیر، اگر مابین وزیر و کمیسیون اختلاف نظر شد، به دادگاه می‌روند.

میناچی: حاکمیتی است که دولت می‌خواهد نسبت به مطبوعات داشته باشد. کمیسیون یک فرد فاسد را پذیرفت، اختلاف رفت به دادگاه، دادگاه پذیرفت که روزنامه باشد، فرد فاسد می‌آید روی کار.

بنی صدر: یعنی دستگاه قضایی تشخیص نمی‌دهد، دولت تشخیص می‌دهد [؟] این استبداد است. قوه قضایی مصلحت مملکت را هم در نظر می‌گیرد.

میناچی: مسئولیت انتظامات مملکت را ندارد.

بنی صدر: طبق متون قانونی مسئولیت دارد.

میناچی: فردی آمده، قاضی است، دلیل می‌آورم عضو ساواک بوده. دادگاه با علم خارج کار ندارد، شهرت جامعه را کار ندارد، مدارک و دلایل می‌خواهد.

بنی صدر: عکس آن هم صادق است. وزیری بودی، بنا بر حسن نیت، هر ساواکی را گفتم خوب است.

میناچی: آن دیگر عدم عدالت است.

بنی صدر: قاضی به علم خارج نمی تواند کار کند.

میناچی: مگر قاضی.

قطب زاده: دادگستری صالح نیست.

دکتر صدر: مسئله تفکیک شود. یکی اموال، یکی فعلی. قانون در شرایط فعلی است یا اموال. شرایط اموال هرکس شکایت داشت، دادگاه می رود مستقل رسیدگی کند. الان قانون تصویب شود، اختیارات دست دولت باشد، برای شرایط کنونی است.

میناچی: دادگستری درست.

بنی صدر: قانون مطبوعات لازم نیست ماده ای مشخص کند یک سری افراد ممنوع القلم.

جلالی: مصلحت اندیشی وزیر را چرا کمیسیون نکند [؟]

میناچی: دادگاه سه نفر باشد، دو نفر اعضای کمیسیون. اگر بین کمیسیون دولت مخالفت نبود، دادگاه نرود.

قطب زاده: کمیسیون نهادهای مملکت است.

جلالی: دو کمیسیون است، یکی دولتی، ولی یک نهاد خارج از وزارتخانه خودش دادگاه است.

هاشمی: پیشنهاد، در موردی که کمیسیون [با] وزیر اتفاق نظر [داشته باشد] رأی قطعی [صادر شود]، اگر اختلاف نظر داشته، حق و تو به وزیر نباشد، به کمیسیون نباشد، متقاضی به دادگاه مراجعه کند.

دکتر صدر: عملاً همان است.

مسعودی: محدود می کند کار کمیسیون را.

قطب زاده: مشکل دادگاه است. دادگاه استان با یک معتمد محل. دادگاه ها اکثراً مال ما نیست، اگر وزیر اعتقاد داشته باشد که فرد صالح نیست.

موسوی: در صورت اختلاف به دادگاه برود.

تصویب شد.

مهدوی: لایحه مطبوعات در این مقطع وارد نیست. دو ماه بگذارید تا این دموکراسی مآبی هست.

تبصره 2 (یک تبدیل به دو شد).

بهشتی: کمیسیونی از وزیر ارشاد ملی و معاونان او.

بنی صدر: تا آنهایی که می شود نقض شود، بشود.

قطب‌زاده: فعلاً قدرتی به وزیر و معاونین می‌دهیم.

میناچی: معاونین، دکتر حداد، دکتر ممکن و...

بهشتی: کمیسیونی متشکل از وزیر ارشاد ملی و سه معاون او و یکی از مستشاران دیوان‌عالی کشور.

هاشمی: همه هستند.

دکتر صدر: دانشگاه دارد و یک کمونیست درست و حسابی می‌دهد.

میناچی: تا زمانی که اتحادیه تشکیل نشده، با سایر اعضاء تشکیل شود.

بهشتی: تا زمانی که کمیسیون تشکیل نشده.

قطب‌زاده: وزیر را جدا بگذارید که اگر اختلاف شد برود دادگاه.

بهشتی: خوب است، کمیسیون از معاونان وزارت ارشاد، یکی از مستشاران دیوان کشور و یکی از اساتید حوزه

علمیه.

هاشمی: می‌گویند می‌خواستند سر ما شیره بمالند.

بهشتی: کمیسیون متشکل [از] مستشار دیوان کشور، یکی از اساتید حوزه علمیه قم، یکی از اساتید دانشگاه.

قطب‌زاده: تعداد موجود کمیسیون را بگذارید، باقی را نماینده دولت.

بنی صدر: کمیسیون با افراد موجود.

قطب‌زاده: دو تا از آنها را از دولت بگذارید.

میناچی: تا کمیسیون تشکیل نشده، اعضای بقیه را دولت معین می کند.

هاشمی: کانون وکلا موجود درست نیست.

جلالی: تا تعیین کمیسیون، وزیر تصمیم بگیرد.

مهدوی: دو ماه بگذارید که وزیر تصمیم بگیرد. لایحه کنار، هزار کار دیگر داریم.

بهشتی: تا زمانی که کمیسیون مقرر تشکیل نشده، وظایف آن به عهده وزارت ارشاد ملی است.

هاشمی: آقای میناچی می تواند مسئولیت را انجام دهد.

میناچی: مشورت نخست وزیر برای آن بود که همه سر ما نریزند.

جلالی: با سرپرست رادیو تلویزیون.

بهشتی: در قضیه طالقانی سند سانسور بود. تا زمانی که کمیسیون تشکیل شده، کمیسیونی [مركب] از وزیر ارشاد

ملی، مستشار دیوان کشور و نماینده.

هاشمی: این کمیسیون تصویب پروانه است. کار ایشان به این کمیسیون مربوط نیست.

میناچی: تا سه ماه باید بیابند درخواست کنند که رد می شود.

قطب زاده: افراد معرفی می کنند.

هاشمی: [روزنامه] اطلاعات است و آیندگان.

بهشتی: [در] کمیسیون، وزیر ارشاد ملی، مستشار دیوان عالی کشور به انتخاب رئیس و نماینده شورای انقلاب.

تصویب شد.

ماده 6، ماده 7، ماده 10، تشخیص سلب صلاحیت با کمیسیون مقرر در ماده چهار و تبصره های آن. ماده 7 و 9

می تواند، 10 حذف شد.

بنی صدر: مخالف هستم به ارث برسد.

میناچی: امتیاز درست بوده، روزنامه به هم نخورد.

بهشتی: از نظر موازین اسلامی، اگر در زمان کسی حق باشد، انتقال با ارث هم درست است.

موسوی: فرد واجد شرایط بود، منتقل به بچه نمی شود.

هاشمی: یک نفر با صلاحیت معرفی کنند.

بهشتی: میراث خواری مطبوعات ممنوع.

مهدوی: در صورتی که وراث شرایط را داشته باشند، حق تقدم با آنهاست.

بهشتی: این حق هست یا نه [؟]

میناچی: کسی با نشریه شهرت خوب پیدا می کند، هرکس حاضر است بخرد.

قطب زاده: خطرناک است.

بهشتی: اگر قرار است [در] مسائل فقهی روی تصمیم رهبر عمل شود، آقای خمینی حق تألیف قائل نیست.

هاشمی: نظر دیگران پرسیده شود. الان در دنیا مسئله امتیاز یک چیز حق است.

بنی صدر: کسی پروانه ندارد، همه دولتی است.

بهشتی: ثبت علایم از بین می رود. نام هم مثل آن است.

موسوی: مادام الحیات که وجود دارد.

سحابی: سوءاستفاده آن طرف را توجیه کنند.

مهدوی: اگر دولت همه چیز را ملی می کند، پروانه مطرح نیست.

بهشتی: حق استفاده از نام، متعلق به وراث است.

میناچی: در زمان حیات ممکن است نشریه شهرت پیدا کند، کسی بخرد. اگر واجد بود، بخرد. اگر با فوت منتقل

شود، اشکالی ندارد.

بهشتی: حق استفاده از نام با وراث است. باید پروانه کسب کند.

مهدوی: عبارت من بهتر است. در صورتی که صلاحیت داشته باشد، حق تقدم با وراث است.

بنی صدر: می‌خواهید برای عنوان روزنامه، مالیات قائل شوید [؟]

بهشتی: حق قائل می‌شویم.

قطب‌زاده: نکته‌ای هست، کنترل منابع درآمد و مخارج روزنامه.

بهشتی: امتیازهایی که موجود است، باقی است.

میناچی: تطبیق با قانون بکند. روزنامه‌هایی پول گرفته‌اند، تعطیل کرده‌اند.

بنی صدر: چرا باج بدهیم [؟] باید پول را بگیریم.

شیبانی: کمیسیون نظر بدهد چون پول گرفته‌اند نه.

میناچی: بعضی‌ها درباره امتیاز هم گرفته‌اند.

بنی صدر: لوطی‌خوری جلوی‌ش گرفته شود.

میناچی: خود آنها هو می‌شوند.

دکتر صدر: بگویند به استثنای آنهایی که پول گرفته‌اند.

مهدوی: می‌گویند امتیاز ما را دولت خرید، بعداً امتیاز به ما داد.

جلالی: خود این پول گرفتن.

تبصره 2، گرفتن پول از آنها تصویب شد (دکتر صدر رفت، 11/35). دارندگان امتیاز که در ازای واگذاری امتیاز

خود به دولت پول گرفته‌اند، به شرطی از این تبصره استفاده می‌کنند.

تصویب شد.

تبصره 2، نام و نشان ... در دفتر مخصوص ...

ماده 12، تبصره 2 وزارت ارشاد ملی به منابع درآمد رسیدگی کند.

میناچی: سروصدا ایجاد می‌کند.

قطب‌زاده: سرمایه ایرانی باشد، اگر روزنامه صد هزار خرج آن شود.

بهشتی: جلوییش را می‌گیرید.

قطب‌زاده: نه، ممکن است خارجی باشد، از طریق داخلی.

هاشمی: اگر روزنامه یا نشریه با یک کشور خارجی ارتباط داشته، امتیاز او لغو می‌شود.

بنی‌صدر: کمیسیون حق دارد وضع مالی روزنامه را رسیدگی کند.

میناچی: الان پولی را که می‌گیرد، به حساب شخصی می‌گذارد، بعد پول را به روزنامه می‌دهد، حساب‌سازی می‌کند. ولی با این طریق موجود که سرمایه ایرانی باشد، رسیدگی می‌کنیم.

بهشتی: اگر نشریه دخل و خرج نمی‌کند، منتشر نشود.

قطب‌زاده: نشریه‌ای که پایگاه اجتماعی دارد و ندارد، کم‌تر از بیرون یا از خارج است با عناصر داخلی که بدنام است، پیغام امروز و غیره اگر روشن شود، منابع تغذیه عناصر ارتجاع.

میناچی: امتیاز روزنامه به نام دکتر اهری^۱ است. نامه نوشته [که] می‌خواهم، قبلاً مال آیندگان بوده، بعداً آن را به نام شرکت یادگاران به نام خودش ثبت می‌کند داریوش همایون^۲. دلایلی هست که چاپخانه روزنامه را می‌شود گرفت، چرا به آنها آگهی می‌دهند.

بنی‌صدر: ما قبول کردیم ثبت‌نشده مال ماست. صد هزار تا چاپ می‌شود و صد هزار تومان خرج ندارد.

قطب‌زاده: روزنامه [ای] که ضد انقلاب عمل می‌شود.

هاشمی: نزیه حقوق نیک پی را می‌داده.

میناچی: سروصدا نمی‌خواهیم ایجاد شود.

بنی‌صدر: ضدانقلاب دریافت می‌کند.

1. حسین اهری، صاحب امتیاز و رئیس هیأت مدیره روزنامه آیندگان بود. اما عملاً دخالتی در سیاست‌های حاکم بر آیندگان نداشت.

2. داریوش همایون (89-1307) وزیر اطلاعات و جهانگردی و سخنگوی دولت در دوره پهلوی دوم. وی قائم مقام دبیرکل حزب رستاخیز و مؤسس روزنامه آیندگان بود.

قطب‌زاده: ما از سروصدا می‌ترسیم، تمام را آنها می‌کنند.

میناچی: یکی مصادره چاپخانه، یکی نداشتن امتیاز.

موسوی: سهل‌ترین کار [این است که] دولت را موظف کنند آگهی دولتی ندهند.

قطب‌زاده: نزیه را بردارند.

بهشتی: با شماست.

موسوی: آقای نزیه در آنجا دسته‌بندی کرده، مسئله دیگری ایجاد می‌شود. ندادن آگهی کاری ندارد.

بهشتی: ماده 13.

میناچی: آن را چاپ نکنید. اگر دسته‌بندی روشن شود، فاجعه‌ای هست. کارش نمی‌شود کرد.

بنی‌صدر: دسته‌بندی ندارد.

بهشتی: ماده 14، هرگاه در مطبوعات [...]]

جلالی: متضمن افترا نباشد، از کجا افترا بودن را روشن می‌کنید [؟]

ماده 17، تحریص و تشویق (صریح را حذف کرده‌ام).

بهشتی: شایعه‌سازی و تیتراژی ضدانقلاب.

میناچی: تمام سروصدا و گرفتاری با مطبوعات روی این ماده است.

بنی‌صدر: دو تا را مشخص کنید.

میناچی: می‌گویند ما را تابع مجازات عمومی کنید، ولی مواد آن قانون تطبیق نمی‌کند. وزیر دفاع لایحه‌ای آورده،

از افشاگری امور محرمانه ارتش. مهندس بازرگان گفتند در لایحه مطبوعات باشد. آیندگان تعلیم خرابکاری داده،

حق نداشته باشند مطالب ارتش را بدون اجازه ستاد اعلام کنند.

بنی‌صدر: اسرار نظامی همه اینها نیست.

مهندس سبحانی: اسرار نظامی در قانون مطبوعات هست.

میناچی: لایحه در مورد ارتش.

بنی صدر: این مثل لایحه رضاخانی است. کسی دارد کودتا تهیه می‌کند، افشا بشود یا نه [؟]

موسوی: در ارتش روحیه‌ای پیدا شده [که] دنبال فرمان نمی‌روند. ماده‌ای باشد [که] این مطالب تحریک‌کننده را در بر بگیرد.

میناچی: لایحه مصدق استناد می‌شد، خیلی مواد تندتر از این دارد.

جلالی: اشتباه است اگر تصور شود شل کنید اینها راضی می‌شوند.

قطب‌زاده: کنترل‌هایی روی شرکت‌ها داریم.

میناچی: ماده‌ای گذاشتم.

بهشتی: این دو ماده را که از قانون مصدق بود، گذاشتیم سه ماه تا شش ماه. ماده 16 و 18 لایحه مطبوعات زمان دکتر مصدق به جای ماده الف و ب، ماده 18.

بنی صدر: هر کس می‌خواهد بنویسد. ما جواب می‌دهیم.

مهدوی: یکی منطقی بحث می‌کند، یکی تعبیر توهین می‌کند.

بنی صدر: اصل عقیده برای همه محترم است. راجع به مسیحیت هم نوشته شود.

هاشمی: توهین به شخص را [به عنوان] جرم قائل هستیم.

بهشتی: توهین به مارکسیسم هم جرم داشته باشد [؟]

مهدوی: -

بهشتی: مضر بگذاریم.

مهدوی: توهین را با اعتراض علمی فرق بگذاریم.

بنی صدر: این چیزها تاکتیکی است. حالا قرن بیستم است. تاکتیک آن روز کاری از پیش نمی‌برد.

میناچی: [درباره] این چند ماده [درخصوص] نوع مجازات‌ها مطالعه شود [برای جلسه] روز پنج‌شنبه.

هاشمی: سه‌شنبه بیایید. لایحه بودجه هست.

[موضوع: جهاد سازندگی:]

قطب‌زاده: [به] لایحه امور مالی توجه شود.

بنی‌صدر: مسعودی پیشنهاد کرده، برای تمرکز. قرار شد نامه‌ای نوشته شود، به مسعودی ارجاع دهند.

بهشتی: می‌دانستم دولت در مسائل جهاد [سازندگی] کار نمی‌کند. بچه‌ها شروع کرده‌اند به بازگشتن. ایمان و

شور بسیج‌شده را به بازی می‌گیریم. یکی کردستان.

مهدوی: نمی‌گذارند.

بنی‌صدر: پول نمی‌دهند.

موسوی: با این مهندس می‌روم رضائیه.

بهشتی: واحدهای انقلابی که باید عمل کند. گزارش رادیو تلویزیون از همدان.

سحابی: گزارش از اراک و همدان و ...

مهدوی: این بحث در دولت مطرح شد.

بهشتی: جهاد سازندگی از زیر نظر بنی‌اسدی بیاید بیرون.

مهدوی: پدر ایشان.

مهندس سحابی: گفت آنها واردترند.

بهشتی: شورا توصیه می‌کند جهاد سازندگی بیاید زیر نظر وزارت کشور، زیر نظر شما.

هاشمی: مهندس بنی‌اسدی آدم بدی نیست. قضیه باید از طریق دیگر حل شود.

بهشتی: نمی‌تواند بکند.

مهندس سحابی: بنی‌اسدی آدم بدی نیست.

هاشمی: پول دست استاندار است.

بنی صدر: دستگاه اداری می گوید تمام اختیارات را به ما برگردانید.

هاشمی: دکتر سبحانی گفت پول از طریق مسکوک حل شده.

جلالی: در رادیو می شود انتقاد کرد.

بهشتی: [انتقاد] بکنید. چند بار گفتم از طریق دستگاه کثیف اداری.

قطب زاده: منع هرگونه استخدام بدون تصویب دولت.

میناچی: اعضای دولت را نمی شود اطمینان کرد. کسانی از خودمان مأموریت داشته باشند بروند.

مهندس سبحانی: در اختیار استاندار یا دو نفر دیگر، هیأت عامل از طرف شورای جهاد سازندگی استان است، ولی انتخاب با استاندار است.

میناچی: به معین فر گفتم شاه آیا آمد این پول ها را می دهد یا جلو می گیرد [؟]

موسوی: اگر صلاح است فعلاً قرض کنیم، پول در اختیار [را] چه کنیم [؟]

بهشتی: پول تمام شده. خوزستان پانصد هزار برای کردستان، برای قروه.

هاشمی: راه آسان تر [آن است که] به استاندار دستور بدهیم، آن طرح که ما می دهیم (میناچی رفت 12/30،

قطب زاده رفت). بقیه صد میلیون که برای صندوق تعاون صنفی تصویب شده، دولت به بانک بنویسد بدون وثیقه

بدهد (مهندس سبحانی رفت، یک بعد از ظهر). در مورد بهائیت طبق [...].

جلسه پنج‌شنبه 1358/5/11

[حاضران: شیبانی، سحابی، موسوی [اردبیلی]، کتیرائی، بهشتی، [مهندس] موسوی، هاشمی [رفسنجانی]، مهندس بازرگان، معین‌فر، میناچی، دکتر صدر.

[موضوع: بهائی‌ها:]

مهندس بازرگان: بهائی‌ها ادعا دارند که به‌عنوان اقلیت شناخته شوند و اماکن آنها که اشغال شده [...] (جلالی آمد، 9/25).

[موضوع: نقش امام خمینی در قانون اساسی آینده:]

بهشتی: آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان من یادم هست، به‌تصویب شورای انقلاب برسد.

مهندس بازرگان: وزارت کشور چیزی تهیه کرده. غفلتی از ما شده، شاید شورا. موضوع خود آقای خمینی [که] در دولت آینده اسمی از ایشان نیامده. عملاً هم روی احتیاج و مراجعه مردم [که] اصرار [دارند] و عملاً رهبر بودن، مقام خاصی برای شخص ایشان در قانون اساسی ذکر شود.

مهندس: با یک ماده مسئله حل نمی‌شود. این مقام فعلی ایشان، آن وقت هم خواهد بود یا رئیس جمهور [؟]

بهشتی: با فراغت آن را تنظیم کنیم.

مهندس سحابی: رئیس جمهور بشود.

بهشتی: صحیح نیست. این سنت بدی است.

مهندس بازرگان: رئیس جمهور هیچ‌کاره است، ولی ایشان امکانات زیاد دارد.

بهشتی: تز ایشان این است [که] انقلاب در این مرحله، وابستگی‌اش به شخص ضعیف شود.

مهندس بازرگان: متأسفانه پیشرفت جریان به آنجا نرسیده.

بهشتی: طرح طوری تهیه شود (مهدوی آمد، 9/30).

کتیرائی: در بیانیه آخر گفته‌اند نظرم را راجع به قانون اساسی خواهم داد.

[موضوع: بنیاد مستضعفان:]

بهشتی: بنیاد مستضعفان از فروش اموال منقول، بودجه امداد را داده است. از کارهای آن بودجه، خانواده شهدا و ارسال بیماران به خارج، اکنون شبکه‌ای شده منظم. مبلغ قابل فروش تمام شده، الان به قرض افتاده‌اند. پیشنهاد این است [که] امداد نگهداری شود، سیستماتیک بنیاد مستضعفان به ثبت رسیده، مدیر عامل دارد مهندس خاموشی، شورای عالی و رئیس دارد. پیشنهاد این است، اولاً باید به خانواده مصدومان رسید و در حالت ما کسی گرسنه نخواهد بود. بودجه‌ای در اختیار بنیاد باشد که این واحد اداره شود.

هاشمی: پیشنهاد اصلاحی، بنیاد یک سری اموال دارد که به درد دولت می‌خورد. [آن را] در اختیار دولت بگذارد [و] در مقابل آن پول بدهد.

مهندس بازرگان: به شرط آن که در اختیار دولت باشد (دکتر سحابی آمد).

بهشتی: گفته ایم قرض کرده‌اند، حدود ماهی 24 میلیون تومان (قطب‌زاده آمد).

[موضوع: عفو نمایندگان مجلسین در رژیم سابق:]

معین‌فر: نامه‌ای [به] دستم رسید. قانون خاصی دارد، مبارزه کرد، در جریان مجلس بیرون آمده، طومار برای ما آمده، صحت مندرجات آن معلوم شود.

موسوی اردبیلی: قرار شد کمیسیونی زیر نظر مسعودی به کار آنها رسیدگی کند.

بهشتی: وکلا و وزرای مستعفی در این شرط می‌گنجند.

معین‌فر: این فرد استعفا کرده. از همان زمانی که جریان بحرین مطرح شد، از آنجا بیرون آمد.

بهشتی: از دید انقلابیون، سخت اعتراض است نسبت به همین کار که به وکلا شده. پاسبان و سرباز را که کاری کرده می‌کشید و جرم فراوان و وکلا را بیرون فرستاده‌اید. در ارتشی‌ها هم اثر بد گذاشته. معیارها باید دقیق‌تر بررسی شود.

مهندس بازرگان: دسته‌ای که کم‌تر اثر داشتند، وکلا بودند. ساواک روی آنها سخت‌گیری نداشته.

شیبانی: برای استاد دانشگاه که وضعش فقط از حقوق دانشگاه بود چه کند [؟]

مهندس بازرگان: فکری می‌کنیم.

مهندس سبحانی: بعضی وکلا هم شامل این [...]]

[موضوع: آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان قانون اساسی:]

دکتر سبحانی: آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان از طرف وزارت کشور تهیه شده. آئین‌نامه احتیاج به تصویب قانونی ندارد. بررسی مجدد هم شاید لازم باشد. شورای طرح‌ها موظف است مطالعه بیشتر کند. موافقت کنید در هیأت دولت مطرح شود و در یک مجلس زودتر بگذرد.

بهشتی: قبل از آمدن شما صحبت شد، شنبه دولت آن را تمام کند، یکشنبه بیاورند [به شورا]، به اعتبار این که در لایحه مجلس خبرگان ماده‌ای بود که آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان به تصویب شورای انقلاب می‌رسد.

دکتر سبحانی: آئین‌نامه‌ها احتیاج به تصویب ندارد، ولی این مورد اگر مطالعه بشود بهتر است.

بهشتی: کمیسیون لوایح داریم، می‌تواند سریع رسیدگی کند.

مهندس بازرگان: کمیسیون ببیند (مهندس احمدزاده آمد).

معین‌فر: در رسیدگی به قانون اساسی، هر اصل را یک کمیسیون رسیدگی کند.

دکتر سبحانی: پیش‌بینی شده.

بهشتی: [اعضای] کمیسیون، هاشمی، صباغیان

مهندس بازرگان: خود جنابعالی.

بهشتی: موسوی اردبیلی، دکتر سحابی، میناچی و مهندس سحابی (دکتر سحابی رفت 10/05، خامنه‌ای آمد 10/10).

[موضوع: لایحه مطبوعات میناچی.

مهدوی: -

معین‌فر: دنبال الفاظ نرویم. آنها با اصل آن مخالف هستند.

مهدوی: کلمه امتیاز به‌عنوان اسم خاص روزنامه است (بنی‌صدر آمد، 10/15). اسامی امتیاز است، ماده 18.

مهندس بازرگان: مطرح کنند. چون ریاحی لایحه‌ای آورده بود [که] در زمان جنگ، هر زمان که مجلس یا شورای انقلاب تشخیص دهد، نشر نشود.

میناچی: ماده 18.

بهشتی: توهین به اسلام مطرح بود که بنی‌صدر می‌گفت توهین به هر ایدئولوژی.

مهدوی: بی‌خود نیست که توده‌ای‌ها ...

هاشمی: در شرایط موجود نباید گفت هر ایدئولوژی مثلاً مارکسیسم ملحد را نباید، در قانون اساسی می‌گویند غیرمسلمان انتخاب شود.

دکتر صدر: اگر اهانت به اسلام و هر ایدئولوژی باشد، اهانت به انقلاب ایران یا هر انقلاب باشد.

بنی‌صدر: اهانت کردن کار خوبی است [؟] باید در شرع ما اهانت کردن درست است [؟] فقط اسلام عیب دارد

یا آن که اصل اهانت عیب دارد [؟] این روش‌ها به نفع مخالفین است. چه کلاهی سر انتخابات روی سر ما

گذاشته‌اند [؟] از 120 کاندیدا نیم درصد جمعیت نیستند، پنج برابر دیگران حرف می‌زنند. در عمل این مواد قابل

اجرا نیست. ثانیاً اهانت را چه کسی تشخیص می‌دهد [؟]

معین‌فر: اگر بحث است این ماده زده شود، ولی اگر گذاشته شود همه را بگذاریم.

مهندس سبحانی: حرف بنی صدر درست است. اصل اهانت درست نیست. اگر از منطق خارج شود و فحش باشد، مسلمان‌ها برنده نیستند. اهانت به هر ایدئولوژی باشد و مخالفت به اسلام [قید شود].

میناچی: خود اهانت درست است یا نه [؟] اهانت بد مجازات دارد. ایدئولوژی هم اگر کسی طرفدار باشد، ثبت بدهد، می‌تواند ایراد بگیرد. اگر کسی به اسلام توهین کند، طبق چه قانون مجازات شود [؟] مهدوی: اگر بنا باشد این ماده باشد، تقید به دین اسلام نباشد، سایر مذاهب هم باشد.

خامنه‌ای: آنچه مورد نظر بنی صدر است، ضمن این که درست است، جواب این ماده را نمی‌دهد. اهانت، غلط است، روح ماده 18. وقتی ایدئولوژی یک انقلاب، اسلام است، قداست باید داشته باشد. [اگر بخواهید] جواب منطقی بدهید فرصت نیست، مثل خوره درباره اعتقادی نفوذ می‌کند. جای دموکراسی وسیع اینجا نیست. قداست ایدئولوژی حاکم بر جامعه را کم‌کم بشوید. من طرفدار اهانت نیستم. هر تغییر می‌خواهید بیاورید که اسلام را مورد طعن غیرمنطقی قرار ندهد.

بهشتی: مسئله این است [که] زندگی بشر همه از روی عقل است یا احساس و عاطفه هم هست [؟] علاقه طرفداران ایدئولوژی به عنوان عامل مهم ارزش‌دار بودن موقعیت کسی که توهین می‌کند ضربه زده. اگر منطقی است جواب می‌شود داد. یک ایدئولوژی به خود جامعه است. توهین اشکال دارد، توهین مطلقاً بد است، جلوگیری شود، ولی جنایت نیست.

بنی صدر: در روزنامه یک سرمقاله است و یک بحث، چرا فرصت ندارید جواب بدهید [؟] چون وظایف زیادی به‌عهده دارید. اگر الان نمی‌شود، کی می‌شود جواب داد [؟] ثانیاً این ماده تشویق به فحش دادن به اسلام است. به‌محض این که حکومت زور به دست آورد، قداست پیدا می‌کند. در حال حاضر [اگر] کسی به اسلام اهانت کرد، مجازات می‌شود. ولی به‌عنوان اسلام، یک عده فاشیست حمله می‌کنند به اسم اسلام. موضع قاطع نگرفتیم مقابل این حرف‌ها. آنجا که به نفع خودمان است، ماده می‌گذاریم. ولی از آن طرف دیگران را کتک می‌زنند.

موسوی اردبیلی: در قوانینی که اینجا مطرح می‌شود، باید دید مسئله شرعی تکلیف را روشن کرده یا نه [؟] مسئله در تمام کتاب‌های فقهی هست، توهین به اسلام، قرآن و ائمه و غیره هست. نگفتند توهین به قرآن مثل توهین به فرد سخیف است.

بنی صدر: قرآن گفته فحش ندهید.

موسوی اردبیلی: ممکن است شش ماه، دو سال، کم و زیاد باشد. باید باشد. حالا توهین به ایدئولوژی‌های دیگر از نظر اخلاقی بد است.

بهشتی: مهندس بازرگان نوشته‌اند بدیهی است که توهین به ایدئولوژی‌ها مجاز نیست.

موسوی اردبیلی: مغلظه بود که چون زور دارم، نمی‌گذارم. نه، چون حق است با واقعیت کار کنیم.

بهشتی: به جای این ماده نوشته شود مطبوعات که به جای روشنگری و منطق روشن، توهین دارند، توقیف شوند.

خامنه‌ای: یک، این ضابطه مشخص نیست. ده مقاله، یکی [از آنها] هوچی‌گرانه روش توهین آمیز باشد. به علاوه

مسئله اسلام است، حفظ اسلام. بیان بنی‌صدر مرا قانع نکرد، چون منطق نداشتند. اسلام نه به عنوان ایدئولوژی

حاکم، بلکه آنچه مردم خواسته‌اند، قداست دارد، پس چه چیز قداست دارد [؟]

مهدوی: اسلام را قبول ندارد.

خامنه‌ای: مارکسیسم یک هزارم طرفدار ندارد.

مهندس کتیرائی: از نکته‌ای غفلت داریم. مذهب در ردیف ایدئولوژی نیست. مذاهب اقلیت هم همین احترام را

دارند. انتظار مردم از اهانت به مذهب در ردیف اهانت به حزب نیست.

میناچی: آقای بنی‌صدر [!] شاهنشاهی با [یا] اسلام درست نیست. مسئله توطئه است. ضد انقلاب اول از مقدسات

شروع می‌کند. اگر این حالت تقدس حفظ نشود [...] قانون مطبوعات فقط [در رابطه با] جرایم مطبوعاتی است.

سایر خلاف‌ها فرق دیگر دارد.

بهشتی: سوال بنی‌صدر را طوری دیگر مطرح کنم. مسلمانان شوروی، اروپا یا آمریکا، اگر قانون باشد، به مسیحیت

یا مارکسیسم توهین شود، کیفر دارد. مسلمانان باید بپذیرند و آن را بی‌تبعیض بدانند [؟]

خامنه‌ای: نسبت به مسیحیت نه مبنای جامعه بر آن است.

بهشتی: مارکسیسم.

خامنه‌ای: تردید نیست خدشه آورد [آوردن] بر مارکسیسم که نظام حکومت در شوروی است، ایراد دارد.

مهدوی: جنبه مثبت، [این] ماده دارد، یکی [هم جنبه] منفی. مثبت [آن این است که] اهانت به اسلام که دلیل مجاز بودن اهانت نیست. خدشه وارد کردن صحیح است. طبق مقررات فقهی باید اجازه داد تبلیغات علیه اسلام بشود، معلوم نیست جایز باشد. کیفر دو ماه و سه ماه حبس نیست، اعدام است.

بنی صدر: این که زور را پاسدار قداست می کند، ضدیت با اسلام است. این فرمایشات تصدیق اصل زور است. به اسلام هیچ کس نمی تواند انتقاد منطقی بنویسد. چرا ماده چیزی باشد که قابل اجرا نباشد [؟] شما که علیه زور می جنگید، هر چه لازم شد یک زور بالای آن می گذارید.

مهندس موسوی: توطئه سازمان یافته است، حملات به انقلاب است. این ماده با تغییراتی باشد. توطئه سازمان یافته مثل کار دشتی یا نامه علیه امام. در روزنامه اگر مسئله بحث عقیده مخالف است، توهین نیست.

قطب زاده: مسئله که حالت قداست است، اگر تعمیم به تمام قوانین داده شود، [مثلاً] حریم ناموس محترم است، پس آنجا هم نباید جلوی آن با زور گرفته شود. متأسفانه طرف مقابل در تمام جهات، حتی در دنیا، اسلام را با توهین، نه با منطق [...] نکته در مورد شوروی، اگر انقلاب مارکسیستی، آنچه که حاکم است بر رأی آزاد مردم گذاشته می شد و اکثریت قاطع رأی می داد و با زور قالب نکرده بود، درست بود، ولی مارکسیسم حاکم با قدرت زور حاکم است.

هاشمی: بنی صدر روی زور تکیه می کنند، ولی غیرواقع است. خودشان در زندگی مبتلا به این مسئله هستند. پولی از مردم می گیرد، نشریه می دهد، وگرنه مقدورش نبود. در هیچ جای دنیا، مارکسیسم تحمیل شده با زور به اسلام تحمیل می شود، بدترین نسبت ها را به اسلام و مسیحیت خود می داد در آزادترین.

میناچی: اصل اهانت که نباید باشد، قبول شده. چطور ضابطه روشن شود که حدود اهانت معین شود. قبول دارید که اهانت نباید کرد. گفتیم خود آن ماده ای بدهید، اصل اهانت مرقوم.

بنی صدر:

بهشتی: بعد از شما اگر یک نفر دو دقیقه خواست، می گوید.

بنی صدر: نفی نسبت است. در اسلام اصل بر زور نیست، نه اینکه به کار برده نمی شود.

کتیرائی: به جای ماده باشد هرکس مقاله ای مضر به اعتقادات دینی و یا اساس اسلام و یا انقلاب اسلامی منتشر کند.

بهشتی: این دامنه‌اش وسیع می‌شود.

خامنه‌ای: خیلی کتاب‌ها مثل علی انصاری هم [...]

هاشمی: اگر کیفر نباشد، درست نیست.

مهندس بازرگان: این در مقابل آن ماده است که کیفر معین کرده. نفی توهین به دیگران هم بشود.

بهشتی: هرکس مقاله‌ای توهین به دین مبین اسلام یا ادیان رسمی دیگر و مضر بر اساس انقلاب اسلامی به صورتی

که در قانون اساسی آمده است، منتشر کند.

موسوی اردبیلی: ما حق نداریم به دین یهود و نصاری توهین کنیم.

بنی صدر: مگر در قانون اساسی نوشتیم عقیده مصون از تعرض است [؟]

بهشتی: هرکس مقاله‌ای توهین به [...]

مهدوی: یکی توهین نفی شود، یکی اختصاص به اسلام.

بهشتی: هرکس به عنوان نقد و انتقاد [...]

هاشمی: قرآن برای اعتقاد مشرک چه ارزش قائل است [؟]

بهشتی: مارکسیسم ارزش ندارد. انسان ارزش دارد.

ماده 18- هرکس مقاله موهن یا مضر به اساس انقلاب اسلامی ایران [...] به شش ماه تا دو سال [...]

مهندس بازرگان: کاریکاتور.

بهشتی: هرکس با هرگونه توهین.

خامنه‌ای: بحث قابل‌رأی گیری نیست. ادیان دیگر را مقابل اسلام نگذارید (مهندس بازرگان رفت، 11/15).

بهشتی: هرکس در مطبوعات مرتکب توهین به دین مبین اسلام شود (یا ادیان دیگر حذف شود)، یا از راه

مطبوعات به انقلاب اسلامی ایران خدشه‌ای وارد کند، به شش ماه تا دو سال حبس جنحه.

رد شد.

قطب‌زاده: خدشه نیست. یا توهین است یا تحریک.

بهشتی: هرکس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام توهین کند، به شش ماه تا دو سال [...]]

تصویب شد.

ماده 19- هرگاه در مطبوعات، مطالب موهن [...]]

بهشتی: ماده مثل به دین مبین اسلام و مقدسات آن توهین کند.

ماده 19- هرکس به وسیله مطبوعات به رهبر انقلاب اسلامی ایران اهانت کند، از سه ماه تا یک سال حبس جنحه محکوم خواهد شد.

خامنه‌ای: رهبر انقلاب تنها، نباشد.

معین‌فر: باید مقام رهبری قداست داشته باشد. به روی خود نیاوریم که اهانت امکان‌پذیر است.

میناچی: حذف نکنید، مردم ما را تهدید می‌کنند. خمینی که عرض حال اهانت نمی‌دهد. ضد انقلاب از این نقطه سوء استفاده می‌کند، به عنوان مردم حمله می‌کنند.

بهشتی: بنویسیم هرکس از طریق مطبوعات علیه انقلاب اقدام کند.

جلالی: گذاشتن حبس برای توهین به آقای بهشتی غیر عملی است.

خامنه‌ای: راجع به رهبر انقلاب [با] مجازات زندان موافق نیستیم.

ماده 19 حذف شد.

هاشمی: [با] توهین به رهبر انقلاب، نشریه توقیف شود.

بهشتی: هرگاه توهین که از یک ماه تا شش ماه تعطیل می‌گردد.

هاشمی: علاوه بر مجازات عمومی.

بهشتی: یک ماده می‌آوریم فقط [در مورد] مراجع تقلید.

ماده- هرگاه در روزنامه یا مجله (ماده 17 قانون مطبوعات) یا نشریه دیگر، توهین به مراجع تقلید [صورت گیرد]، مدیر روزنامه یا نویسنده یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد.

تصویب شد.

ماده 20-

مهدوی: مسئله پول که مال بهایی‌هاست، شلاق بزنید، لق نکنید حکم اسلام را.

پرداخت دویست هزار تا یک میلیون ریال رد شد.

جلالی: اگر بدترین قوانین را بگذاریم [و] انقلاب موفق شود، بهترین قانون می شود. اگر چهار نفر محتکر را بزنید [و] مردم راضی شوند، دنیا چیزی نمی گوید.

مهدوی: علت عدم رعایت جنبه‌های دیگر اسلام.

مهندس کتیرائی: [با] انتشار این عکس‌ها، نشریه [برای] مدت یک ماه تا سه ماه توقیف و مرتکب به دویست هزار تا یک میلیون ریال محکوم می شود.

تصویب شد.

بهشتی: یا مکاتب اضافه شود، مترقی است.

اشخاص مکاتب از بین رفت و عین ماده تصویب شد.

ماده 22- سه ماه تا یک سال.

مهندس موسوی: سر خصوصی و خانوادگی از اجتماعی جدا شود.

بهشتی: افشای اسرار شخصی ذکر شود، جمله معترضه.

[موضوع: لایحه معادن:]

لایحه معادن مطرح شد.

احمدزاده: ماده‌ای در قانون معادن پیش‌بینی شده. خودش وسایل اکتشاف ندارد، شرکت‌های تابعه است.

بهشتی: در شرایطی که دولت نمی‌تواند کار کند، اگر عده‌ای اکتشاف می‌کنند، جلوی آنها را نگیرید.

احمدزاده: از سال‌های قبل [در] بخشی از نواحی کشور، اکتشاف ممنوع شده و در این مدت یک مقدار درخواست رسیده که صادر نشده. اگر ناحیه آزاد شود، دعوا می‌شود در مورد درخواست‌ها.

لایحه برای اصلاح مسترد گشت.

[موضوع: ادامه بررسی لایحه مطبوعات:]

بهشتی: [ماده] 23 مطبوعات (خامنه‌ای رفت، 12/40). تصویب شد از انتشار آن جلوگیری شود (مهندس احمدزاده رفت، 12/50).

معین‌فر: این برود ماده قبلی، خرج اسلام را از سایر مذاهب جدا نکند.

ماده اصلی رد شد.

بهشتی: هرکس به دین مقدس اسلام یا سایر ادیان رسمی کشور اهانت کند [...]

تصویب شد.

موسوی‌اردبیلی رفت، 12/55.

قطب‌زاده: از آنجا که استقلال مالی نشریات [...] (دکتر صدر رفت، ساعت یک).

جلسه یگشنبه 1358/5/14

[حاضران: شیبانی، میناچی، کتیرائی، مهندس موسوی، مهندس سحابی، بهشتی، خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، دکتر سحابی].

[موضوع: لایحه مطبوعات:]

میناچی: مدیر هر روزنامه یا مجله باید برای روزنامه خود [...] (مهدوی و معین‌فر آمدند، 9/20).

بهشتی: ماده 25. هرکس برخلاف واقع، حبس سه ماه تا شش ماه.

(دکتر صدر آمد 9/25، هاشمی و جلالی آمدند 9/30). هرکس در نشریه‌ای خود را صاحب پروانه انتشار یا

مدیرمسئول یا سردبیر معرفی کند [...]

تصویب شد.

ماده 26- نام یا علامت نشریه دیگر را تقلید نماید، ولو با تغییرات جزئی.

دکتر صدر: [درباره] علایم تجارتي و مارک‌ها قانون دارید. طبق قانون عمل شود.

میناچی: دارد، ولی ما هم حافظ منافع آنها هستیم.

مهدوی: زندان برای بی‌پول‌ها و پول برای پولدارها.

مهندس سحابی: نام و علامت باشد یا را (مسعودی آمد، 9/35).

مهدوی: تقلید همان معنی را می‌دهد.

بهشتی: به‌طوری که در نظر اول موجب اشتباه گردد.

کتیرائی: -

معین‌فر: به‌طوری که امکان اشتباه باشد، هرکس در انتشار نشریه، نام یا علامت نشریه دیگر را ولو با تغییرات

جزئی تقلید کند.

خامنه‌ای: [عبارت] هرکس، درست نیست.

بهشتی: هرگاه (دکتر باهنر آمد، 9/45).

تصویب شد هرگاه در انتشار نشریه ... تقلید شود.

ماده 27-

مهدوی: در عبارات، ما زیاد وارد نشویم.

بهشتی: چه کسی درست کند [؟]

ماده 27- مثلاً هرگاه نشریه‌ای توقیف شود، نشریه دیگری به هر شکلی که با نشریه قبلی قابل اشتباه باشد، نشریه بعدی هم توقیف است.

-هرگاه پس از توقیف یک نشریه، اولی بهتر است به صورتی منتشر شود که با نشریه قبلی قابل اشتباه باشد، نشریه جدید نیز بلافاصله توقیف [شود].

هاشمی: -

معین‌فر: پس از توقیف یک نشریه، انتشار نوع نشریه دیگر به نحوی که با نشریه توقیف شده از نظر نام و علامت و شکل مشتبه شود، ممنوع است و نشریه جدید بلافاصله توقیف می‌گردد و مرتکب به مجازات جنحه از سه ماه تا شش ماه محکوم می‌گردد.

هاشمی: تذکر کلی. یکی از انتقادات این بود [که] برای هر چیز زندان کردن درست نیست. در کیفرها به فکر باشیم چیزی جای آن بیاوریم.

مهندس سبحانی: اردوی کار بگذاریم. شلاق زدن درست نیست.

شیبانی: فکری برای زندان بکنید.

تصویب شد ماده قبل قبول نشد که جزای نقدی رد شود.

ماده 27 (28) تصویب شد.

ماده 28 (29) تصویب شد.

ماده 29 (30)-

بهشتی: فرماندار در شهرستان‌ها نباشد.

هاشمی: [برای] این جرایم، این همه نیرو را حبس کنیم. پیشنهاد [این است که] هیأت‌منصفه انتخاب شود از طرف مردم.

باهنر: شورای محلی انتخاب کند.

میناچی: تبصره باشد، پس از انتخاب شوراها هیأت‌منصفه را انتخاب کند.

بهشتی: انتخاب هیأت‌منصفه حرف خوب است. به جای یازده نفر، هفت نفر [باشد].

ماده 30- معروفیت به امانت و صداقت.

ماده 31- (دکتر سبحانی رفت 10/30، جلالی رفت) تعداد چهارده نفر، هفت نفر اصلی، هفت نفر [...]

ماده 32- از چهارده نفر.

ماده 33-

مهدوی: در قانون شرع، هیأت‌منصفه نیست.

دکتر صدر: هیأت‌منصفه در امریکا برای هر جا از افراد عادی معین می‌کنند. این عده به‌خصوص که در نظر گرفته شده، نظر خاص می‌دهند.

مهندس سبحانی: در دادگاه امریکا، هیأت‌منصفه رأی محکومیت نمی‌دهد. می‌گوید محکوم هست یا نه.

بهشتی: هر یک از اعضای هیأت‌منصفه [...]

میناچی: در مورد ارجاع به نظام صنفی، در مورد مسائل مربوط به کارهای اداری است.

معین‌فر: ما خیلی غرب‌زده شده‌ایم. هیأت‌منصفه با روحیه غرب‌زده برای رشوه دادن به مطبوعات [است]، آن را در نظر گرفتیم.

مهدوی: اگر دادگاه از افراد صالح باشد، اشکالی ندارد اگر نباشد.

بهشتی: دو جور دادگاه است. یکی منطبق بر قضای شرعی که دو کار دارد، حدود الله و یکی حقوق اشخاص. این دادگاه معین امام است. کارهایی که والی شخصاً تصمیم می گرفته به دادگاه می دهد، مثل دادگاه رانندگی.

مهدوی: دو مطلب است، یکی شخص موضوع.

هاشمی: هیأت منصفه تشخیص دهد مجرم است، درست نیست.

خامنه‌ای: نظر معین فر را می پسندم. اسلام قبول می کند یا نه بحث دیگر است. اگر دادگاه طبق موازین صحیح است، دیگر چه لزوم به هیأت منصفه است [؟]

مهندس سبحانی: فلسفه منصفه در جرایم سیاسی و مطبوعات بر این است [که] قضات روی موازین شرعی یا حقوقی رسیدگی می کنند. مصالح سیاسی موازین دیگری دارد. قتل در شرایط عادی حکمی دارد. [مثلاً دوره] انقلاب است، قتل حکم قتل ندارد، تشخیص با قاضی نیست. هیأت منصفه کارشناس سیاسی در برابر قاضی است. مهدوی: قاضی خبره باشد.

دکتر صدر: تجربه هیأت منصفه بین مردم، قاضی مشخصات را معین می کند.

موسوی: مراجعه به اهل عرف است.

بهشتی: هیأت منصفه نقش کارشناس دارد. حرف مهدوی این است قضا بخش عمده آن تعیین مصداق است.

مهندس سبحانی: پیچیدگی مطالب را باید توجه کرد.

بهشتی: این افراد از قاضی واردترند.

کتیرائی: درد کجاست [؟] مطبوعات خود را طرف دولت می دانند. می خواهد مطابق میل او رفتار کند. دادگاه دولتی است، خواسته اند قیافه ملی بگیرد.

مهدوی: قوه قضائیه را از مجریه جدا کردید. اگر مملکتی باشد، دولت ملی باشد، دیگر چه احتیاج [؟]

مهندس موسوی: بعداً مجلس می آید، به جای آن دادگاه انقلابی بگذارید.

میناچی: تمام لوایح مطبوعاتی، هیأت منصفه داشته. پذیرفته شده در تمام دنیا هست.

شیبانی: هیأت منصفه نظرش را می دهد. دادگاه بر طبق موازین رأی می دهد.

معین‌فر: این برای جلوگیری از هو کردن است. اما عملاً هیأت‌منصفه دلخواه نخواهیم داشت و دادگاه سروصدا دارد. پیشنهاد من این است اسم هیأت‌منصفه باشد، کارهایی که برای مطبوعات هست به کمیته ارجاع کنیم. عملاً سه ماه احتیاج به دادگاه نیست.

میناچی: این ماده کاری برای آنها ندارد. دادگاه استان رسیدگی می‌کند. مطبوعات تا دم توقیف هستند.

بهشتی: نقش هیأت‌منصفه.

وجود هیأت‌منصفه با هشت رأی تصویب شد.

مهندس سبحانی: تشکیل هیأت‌منصفه موکول به تشکیل شوراها باشد.

خامنه‌ای: قبل از.

دکتر باهنر: تشخیص و رأی را معین کنید.

بهشتی: روی این مجموعه هیأت‌منصفه قبول نشد با این وضع.

معین‌فر: جرایم مطبوعاتی در حضور هیأت‌منصفه تشکیل شود. جرایم موجب قانون خاص خواهد بود.

مهندس: عین این حرف در قانون اساسی آمده.

میناچی: به هیأت‌منصفه نمی‌رسیم.

بهشتی: پیشنهاد. جرایم مطبوعاتی باید در حضور هیأت‌منصفه تشکیل شود و تا تشکیل هیأت‌منصفه به جرایم

رسیدگی می‌کند. دولت مکلف است.

تصویب شد با هشت رأی.

میناچی: همه ما را هو خواهند کرد. باید هیأت‌منصفه باشد.

بهشتی: لایحه را با همان صورت تصویب کنیم.

تصویب شد لایحه به صورت قبلی باشد.

میناچی: ماده امور مالی. مدیر هر روزنامه یا مجله باید دفتر پلمپ شده بر طبق قوانین تجارت تهیه کند که ثبت گردد بیان سالانه درآمد و مخارج خود را به گواهی دادستان و نماینده او رسانده (جلالی برگشت، 12).

بهشتی: هر روزنامه یا مجله باید برای مؤسسه خود دفاتر محاسباتی پلمپ شده بر حسب قانون تجارت تهیه [...] تصویب شد (خامنه‌ای و جلالی رفتند 12/20، موسوی اردبیلی رفت 12/40).

[موضوع: اسکناس جدید:]

بهشتی: دیروز نامه‌ای به وزیر اقتصاد و دارایی نوشته شد که از چاپ و ادامه چاپ اسکناس بدون تصویب شورای انقلاب خودداری کنند.

هاشمی: تخلف‌های زیادی شده، مقداری از آن مرموز است. این حرف را خودم به وزیر دارایی گفتم. بعداً چاپ شده و تغییراتی در آن داده‌اند.

معین‌فر: بحث اسکناس جدید نبود. اسکناس زیر چاپ و در متن عکس شاه است، آن را سیاه کنند. اردلان دروغ نمی‌گوید، شاید بی اطلاع باشد.

بهشتی: از آقای اردلان می‌پرسم، اسکناس جدید چاپ نشود، مطمئن باشید اسکناس با فرم جدید زیر چاپ نیست.

هاشمی: کاغذهای بریده سفارش داده‌اند. بعضی کلیشه‌ها روی آن خورده.

مهدوی: برابر تلگراف‌های واصله داروساز به داروفروش اعتراض شده.

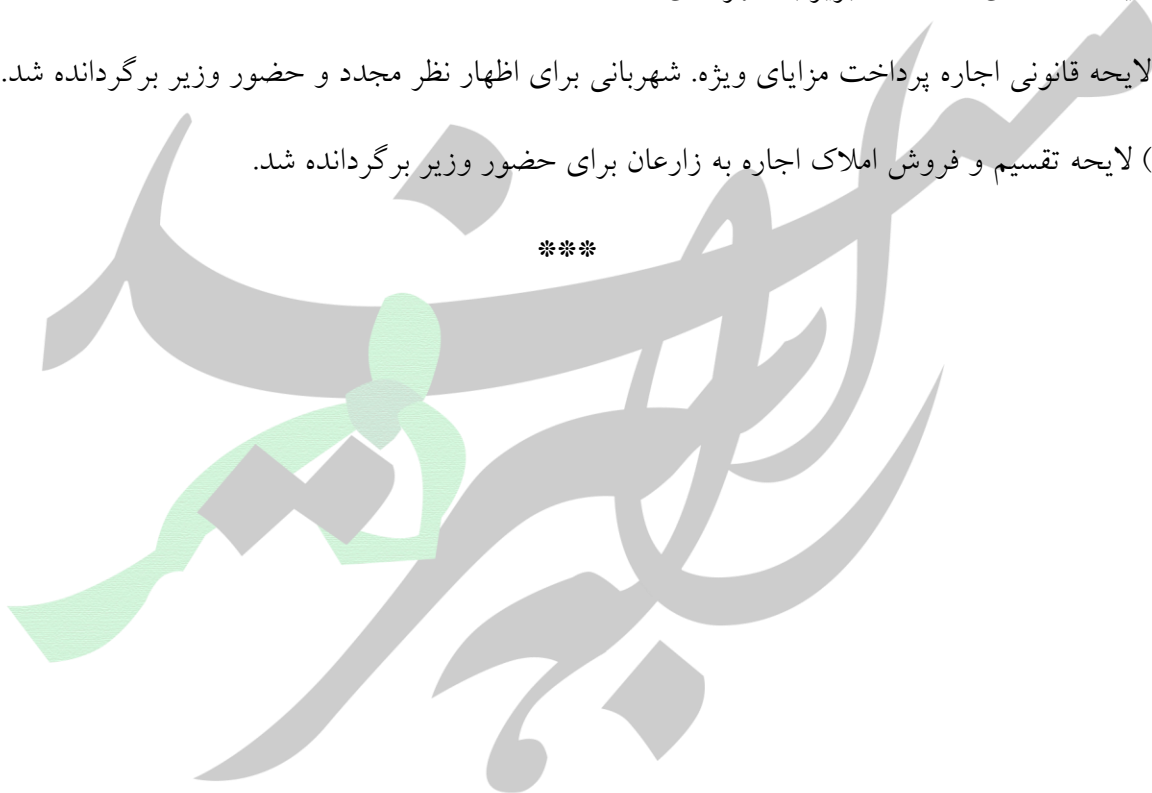
[موضوع: بررسی لوایح:]

لوایحی که تصویب شد:

1) لایحه ترک مناقصه ناحیه استانداران.

2) لایحه لغو قانون معافیت ورود اشیاء عتیقه.

- 3) لایحه اجازه اعطای وام بانک توسعه کشاورزی.
- 4) لایحه اجازه پرداخت معادل ریالی یکصد میلیون دلار به شهرداری.
- 5) لایحه انتزاع موسسه آموزش عالی آمار و انفورماتیک.
- 6) لایحه بخشودگی خسارت تأخیر تأدیه قبوض اقساطی با حذف قسمت ذیل آن که شامل جریمه است.
- 7) لایحه اصلاح ماده 31 قانون شکار و صید.
- 8) لایحه واگذاری کشتارگاه تبریز به شهرداری.
- 9) لایحه قانونی اجازه پرداخت مزایای ویژه. شهربانی برای اظهار نظر مجدد و حضور وزیر برگردانده شد.
- 10) لایحه تقسیم و فروش املاک اجازه به زارعان برای حضور وزیر برگردانده شد.



جلسه پنج‌شنبه 1358/5/18

[حاضران: شیبانی، مهندس بازرگان، معین‌فر، بهشتی، کتیرائی، مهندس سبحانی، دکتر صدر، هاشمی [رفسنجانی] (دکتر صدر رفت)، مسعودی، (جلالی 9/20، باهنر 9/25).

نامه پدر دکتر شیخ الاسلام‌زاده¹ برای رسیدگی به دادستان انقلاب تهران ارسال شد² (مهدوی [آمد] 9/35).

[موضوع: لایحه بودجه سال 58:]

بهشتی: به دولت اجازه داده می‌شود از محل تأمین ... کمک‌ها و اعانات را طبق جداول بودجه سال 1357 کشور مشروط بر این که مبالغ پرداختی از یک سوم اعتبار سه ماه اول. تبصره هزینه ضروری سال جاری که اعتبار تخصیص داده شده با (مهندس موسوی 9/40) تصویب شد.

معین‌فر: لایحه بودجه مطرح شد. کتاب جدیدی دارد که کمی اصلاحات در آن شده بود. بودجه 57 حدود 3200 میلیارد ریال است. حدود 1100 میلیارد کسری درآمد بود که مقادیری اسکناس چاپ می‌کردند و مقادیری قرض. آن قدر حساب‌های قبل شلوغ بود که ترتیب جبران آن را هم ننوشته بودند. عملاً آن بودجه عملی نشد. امسال فکر نبود که صددرصد بودجه بدون کسری باشد، بلکه متعادل باشد. با همه فشارها و صرفه‌جویی‌ها، دستگاه‌های کمک‌بگیری داشته‌ایم که افراد موجهی در رأس آن قرار گرفته‌اند، خیال می‌کنند باید آن را حفظ کرد، مثل سازمان زنان.

بهشتی: پیشنهاد انحلال آن به نخست‌وزیری داده شد.

1. سیدشجاع‌الدین شیخ‌الاسلام‌زاده (93-1310) وزیر رفاه اجتماعی و وزیر بهداری و بهزیستی دوره پهلوی دوم. وی پس از انقلاب برای چند سال زندانی بود و نهایتاً آزاد شد.

2. در کیفرخواست دادستان انقلاب درباره پرونده دکتر شیخ‌الاسلام‌زاده، وزیر سابق بهداری، وی باعث مرگ صدها بیمار معرفی شده بود (اطلاعات، 1358/4/24، ص 3).

معین‌فر: با همه کارها بودجه جاری مملکت را نشده کوچک کنیم. ده درصد بودجه کل رقمی بوده که شریف‌امامی و ازهاری^۱ به کارمندان وعده داده بود و داده بود. 2440 میلیارد بودجه امسال، 880 میلیارد که یک سوم آن را بودجه عمرانی گذاشته‌اند [که] به علت ناامنی امکان خرج این مبالغ خیلی ضعیف است (آقای میناچی 10، بنی‌صدر 10 [آمدند]). [در خصوص] رقم نفت، 3300 هزار بشکه صادرات کنیم، چهار میلیون در روز، پولی که گرفته می‌شود با سال 57 خیلی فرق نمی‌کند. گاز بر خلاف سال گذشته جدا شده، شش میلیارد [سال] 56 [بوده] هفت میلیارد [سال] 57 [بوده]. گاز درآمد ندارد.

بهشتی: چرا می‌فروشید [؟] ذوب آهن که داده چیست [؟]

معین‌فر: اعتبار 150 میلیون روبل داد. روبل برابر 1/2 دلار حساب می‌کنند. خود پروژه آن مورد موافقت انگلیس و فرانسه و امریکا هم بوده، چون که هر کدام سهمی در لوله و غیره داشته‌اند. شرکت‌های زیادی است که جدای از مقررات دولتی است و مخارجش زیاد است. به این شرکت‌ها نتوانستیم برسیم. مبلغ زیادی برای ضرر آن شرکت‌ها منظور شده. فشارهایی به آنها می‌آید، یک کمی خود را جمع و جور کنند. به هر حال این بودجه اسمش بودجه عمومی دولت است. تا صفحه 16 تمام ریز درآمدها آمده است. مطلبی داخل بودجه سال گذشته است. درآمد اختصاصی عبارت است از هر دستگاه، قسمت سوم صفحه 15، دولت قانونی از مجلس می‌گذرانند، فلان محل حق دارد اقدامات خاصی بکند و نظارتی نبود، اغلب دوسره بار می‌شد و از دو جا بودجه می‌گرفتند. وزارت دارایی اجازه دارد از محل مالیات‌های مستقیم دو درصد بردارد، [به] منظور تسهیل امور مالیاتی، اول سال اقدام کردیم، درآمد اختصاصی عمومی نباشد، همه وارد خزانه شود، هر چه طرح است وارد شود (مبلغ مورد بحث زیاد بود، چهل میلیارد ریال)، ولی بیش از این حرف‌ها بود. مثلاً وزارت دادگستری پلاژ را از محل درآمد اختصاصی داشت که فعلاً نیمه‌کاره است. این را که زدیم، خیلی سروصدا ایجاد کرد و مجبور شدیم تخفیف بدهیم. ده درصد آن با تصویب وزارت اقتصاد و امور دارایی و تا 25 درصد با تصویب هیأت وزیران خرج شود. درآمد اختصاصی مال آنجایی است که خرج‌های مصوب دارد. جمع درآمد 2/25 میلیارد که 2/17 درآمد واقعی. کسری 56 ... کسری 57 مبلغ 888 میلیون ریال که با زواید 1100 میلیون ریال بوده. اوراق قرضه کار خوبی است، سبب می‌شود پولی که دولت ریخته در بازار، مهار کند، ولی در داخل مملکت این‌طور نبوده، این صوری بوده. بانک مرکزی چیزی چاپ می‌کند و می‌خرد. پول دست مردم جمع نمی‌شود. در سال 57، دویست و پنجاه و هفت

1. ارتشبد غلامرضا ازهاری (1380-1290) نخست‌وزیر دولت نظامی ایران در اواخر رژیم شاه.

میلیارد بوده و در سال 58 قرضه مورد قبول نیست، بلکه قرض از بانک نوشتیم. البته دولت ارقام سرسام‌آوری بدهکار است به بانک 330 میلیارد اگر کسر بیاید (دکتر صدر برگشت 10/25، دکتر احمدزاده آمد 10/25، مهندس بازرگان و میناچی رفتند بیرون از اتاق).

بهشتی: فرانسه روی پشتوانه طلا نرفت.

بنی صدر: در پول بین‌المللی رفت، ولی داخلی نه.

معین‌فر: کویت از پول نفت همه چیز وارد می‌کند، حتی کارمند و غیره، ولی مملکت وابسته است. ایران هم زمان شاه [همین‌طور] بود.

بهشتی: کسر بودجه نیست، کسر اقتصاد هست (مهندس بازرگان و میناچی برگشتند).

جلالی: نشان آن است که مملکت روی پای خود نیست، ولی تراکتور وارد کنید، گرانی ارزاق و غیره.

معین‌فر: لازم نیست نفت بدهیم، ارزاق و غیره را وارد بکنیم و جناب صدر دنبال آن است.

جلالی: موتور آب تراکتور.

معین‌فر: با کارخانه‌ای که داریم، گرفتار زیادی تراکتور هستیم. توجه به این مطلب که نفت را بالا ببریم، وجیه‌المه بشویم، ولی خیانت به مملکت بود.

بهشتی: ذخیره ارزی ما چقدر است [؟]

معین‌فر: ده میلیارد دلار (صباغیان آمد، 10/30).

مسعودی: بانک مرکزی می‌گفت 65 میلیون دلار در روز درآمد، 75 میلیون دلار تعهد [داریم].

میناچی: سپرده این طور نیست. ده میلیارد حساب دیگر.

معین‌فر:

[موضوع: جهاد سازندگی:]

بهشتی: مطلبی است در لایحه بودجه. شما گفتید 880 میلیارد ریال را امید خرج کردن ندارید. این فاصله است، باید فکری کرد، خرج می شود، رواج اقتصادی که بی کاری از بین برود، بر حسب مطالعات خود آقایان و تجربه بعضی فکر می کنند کار انقلابی در کیفیت خرج کردن است. آقایان بفرمایید شور و تصویب شود و آن این است واحدهای کوچک با رقم های سرمایه گذاری از 15 میلیون تومان تا 50 میلیون تومان خارج از این مقررات، تا 50 میلیون تومان صرف این مخارج کند و تمام نتایج را بگیرد. چه فکری باید کرد [تا] برای دولت تسهیلاتی باشد، دفتر شناسایی باشد، خارج از طرح ها خرج کند، هم سیاهکل و هم قروه [؟]

معین فر: جهاد سازندگی آمد در شورا یا نه [؟]

بهشتی: برای مبالغ بالاتر از این، گروه مهندس چهار نفره در قروه حدود سه ماه 50 میلیون کار عمرانی انجام دهد.

معین فر: 50 میلیون؟

بهشتی: حمام زده، آب آشامیدنی، برق و تعدادی کاردستی. 50 میلیون تومان برای راه است. همه مزایای بودجه عمرانی را تأمین کرده اند.

معین فر: قید کرده، می شود درست کرد.

باهنر: صد تا.

معین فر: هر یک 15 میلیون. می شود 1500 میلیون تومان.

بهشتی: بیش از صد.

مهندس بازرگان: جهاد سازندگی هست.

صباغیان: اگر این مبلغ را جهاد مصرف کرد.

سحابی: خرج نمی شود استاندارد.

بهشتی: آن که عملی شده.

مهندس بازرگان: افرادی باشند [؟] بله باشند. یک وقت کار روستایی است. ولی وقتی اساس شد، تجهیزات می‌خواهند، رساندن پول پای کارمند دولت می‌آید. اگر چنین افرادی هستند، دفتر جهاد سازندگی افراد و دفتر دارد، افراد داوطلب را معین کنند.

بهشتی: آنچه می‌گویید ذهنی است. راه عینی [لازم است]. در دو ماه گذشته با رابطه با جهاد همان کار شما انجام شد، نیروها عموماً زده شدند، بر می‌گردند. ولی این طرح ما که عملی شده، هیچ ناراحتی ایجاد نکرده.

معین‌فر: پیشنهاد شما [چیست؟]

بهشتی: یک دفتر در دولت [و] یک معاون باشد، مسئولیت قبول کند، صد میلیارد تومان را با ضمانت خودش خرج کند و لایحه تصویب شود بدون تشریفات. کارش این باشد، به تدریج دفترهای کوچک کوچک ایجاد کند. با اعتماد پول در اختیارش [قرار گیرد]، بعد سند برگرداند. آنچه در جهاد است، باز تشریفات است، با طرز تفکر اداری است. دفتر مرکزی مال دولت و شورا هرگونه امکان بدهد که قدرت در قدرت نباشد.

مهدوی: استاندار نباشد.

بهشتی: استاندار و فرماندار نباشد.

صباغیان: مملکت [در] موقعیتی است که باید پول خرج شود. دنبال این که مقداری حرام شود هم بود. جهاد مقداری از این راه را رفته. تا این جلسه این طور بوده. تصویب‌نامه دفتر خوشبختانه راه را باز گذاشته. پیشنهاد من این بود در اختیار رئیس جهاد و استاندار باشد. ولی تصویب‌نامه این است [که] در اختیار معاون نخست‌وزیری با آئین‌نامه که خودش باشد که او می‌خواست استاندار باشد. می‌شود گفت استاندار نباشد. اگر این کار را بکند، چیز دیگری به عنوان دفتر درست شود، باید جهاد برداشته شود.

بهشتی: جهاد باشد، ولی مدیریت عوض شود.

صباغیان: با نظر رئیس جهاد باشد.

مهندس بازرگان: شوراهای عملی درست کردند افراد دولت، به عنوان همکاری است، احتیاج به وسایل دارد. هیأتی بروند خوزستان یا غیره. تا حدودی کارهای معمولی است، می‌تواند بکند. راهسازی وارد کرده معمولی، ولی اگر خواست راهسازی هم بکند، اطلاعات، معلومات و غیره، یک وقت پول دور ریخته شود حرفی نیست.

هاشمی: حرف آقایان این حرف را هم تخته می‌کند. هفته گذشته بچه‌ها از شهرستان‌ها آمده بودند که یک جلسه طولانی با آنها صحبت شد، یکی با بنی‌اسدی، یک هیأت اجرایی است که حق و تو دارد به شورای جهاد که استاندار جزو هیأت اجرایی است. هر تصمیمی که شوراها می‌گیرد که خودش هم خیلی رسمیت ندارد، استاندار و تو می‌کند. با بنی‌اسدی صحبت شد، قرار شد قهر نکند. بچه‌ها قرار شد در ظرف ده روز اساسنامه تهیه شود. او هنوز شروع نکرده. جلسه عمومی بچه‌ها در تهران است. مهندس صباغیان قرار شد اعلام بکند، یک نفر از جمع مسئول شود، مسئله همان‌طور که روحش تصویب می‌شود جدی بگیرد. بنی‌اسدی در آن مجموعه دستش گیر است، ولی اساسنامه را که تهیه نکرده.

مهندس سحابی: متکی به دو تجربه است، یکی بلوچستان، یکی اراک. در بلوچستان موفق [بود]، چون وضعی خاص بود، سه نفر معین کردند، یکی استاندار، دو تا غیر دولتی. به علت امکانات موجود موفق بودند. در اراک اختیار دست استاندار. شورای 15 نفره تقریباً استاندار، پنج نفر اداری، پنج نفر معتمد محل، یکی نماینده امام، چهار تای دیگر. استاندار پنج نفر نماینده جهاد، 9 نفر اعضای شورای استاندار معین کرده و آن 9 نفر در اراک ضد جهاد است، یک لندروور نداده. صباغیان: اراک یک چیز دیگری است.

سحابی: به استاندار بگویند نکند. مدنی فرمانده نیروی دریایی است. ده تا دوازده دستور کتبی به مسئولین در بلوچستان داده. فرمانداری، ماشین بولدوزر و غیره هست. زنگ می‌زند، مسئولین آنجا نمی‌دهند، مقررات دولتی را عنوان می‌کنند. اگر فقط حمام ساختن باشد، می‌شود کرد. در بلوچستان یک سد خاکی ساخته‌اند در عرض 45 روز. اگر وسایل باشد، کار بزرگ می‌شود کرد.

معین‌فر: مسئله این است جنب دستگاه‌های دولتی و خارج مقررات دست و پاگیر کسانی باشند. به طور مثال قروه و سیاهکل را گفتید. کار کوچک به سرعت می‌شود، ولی کار بزرگ طول می‌کشد. قبول دارم کسی که جهاد را انجام می‌دهد، در خارج کانال اولی باشد. به نظر من اختیار تمام و کمال داد، قانون نیامده.

بهشتی: یک وقت آپارتمان هزارخانه است، مشکل است. یک وقت هزار خانه است، آسان‌تر است. یک تیم با مقدار وقت کم. قروه 50 تیم با وقت کم، جاهای دیگر [...] الان وقت می‌گذرد. طرح بنی‌اسدی 20 روز دیگر به‌ثمر می‌رسد. وقت گذشته است.

کتیرائی: پول بدون قید در اختیار افراد گذاشته شود. کار اگر تجهیزات بخواهد می‌شود، ولی اگر در اشل بزرگ‌تر باشد اول همه یک سری وسایل می‌خواهد. اگر ندهد، شکایت می‌کند و ضددولت می‌شود. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاون من عضو آن است.

بهشتی: راه دور نرویم. برای این که اتفاق نظر دارید، می‌شود راه را باز کنید. برای آن چه نمی‌شود تجربه می‌کنیم. شبیانی: راجع به زمین می‌خواهند به آنهایی بدهند که می‌توانند بسازند.

صبغیان در مورد لایحه شهربانی توضیح داد (مهندس بازرگان رفت 11/20، صبغیان و میناچی رفتند).

ماده واحده- وزارت راه و ترابری، استخدام افراد خرید خدمت.

اصلاح بند ب ماده 2 قانون معادن تصویب شد.

[موضوع: ادامه بررسی بودجه 58:]

معین‌فر: بودجه مجدداً مطرح شد. شرکت گاز مقداری پروژه کوچک گازرسانی دارد. طرح‌های بزرگی دارد که مقداری از آن را زده‌ایم.

بهشتی: گاز برای اصفهان و شیراز لوله کشیده.

مهندس سبحانی: خط بزرگ نکا - سرخس.

معین‌فر: آنها را پول می‌دهیم.

بهشتی: آنها صرف مخارج جاری خودشان می‌کنند.

معین‌فر: بعضی پروژه‌های کوچک و مخارج جاری مقداری که پول گارانتی می‌کند، برای بودجه چیزی نیست.

مهندس سبحانی: لوله‌کشی شهر تهران سرمایه‌گذاری است.

هاشمی: مسئله کود شیمیایی، پتروشیمی و غیره.

معین‌فر: ادعاست، ولی باید معلوم شود (جلالی رفت، 11/30).

هاشمی: کارخانه‌ها همه [شان] گاز می‌گیرند.

معین‌فر: پروژه‌های بزرگ را پول می‌دهیم.

بهشتی: بودجه اگر تصویب شود یا نه، در گردش کار گاز اثری ندارد.

هاشمی: درآمد ناشی از گاز کجا آمده [؟]

معین‌فر: در داخل شرکت که خارج از بودجه عمومی است.

مهندس سبحانی: چون سازمان برنامه حقوق و اضافه‌ها را زده، صورت نداده‌اند که دستش باز باشد.

کتیرائی: بیلان سال گذشته را بگیرید، روشن می‌شود.

بهشتی: هفت میلیارد را بگذارید.

معین‌فر: می‌گوید مخارج رفته بالا، درآمد ندارد.

کتیرائی: چون شرکت‌های دولتی زیاد است و اکثراً ضرر می‌کنند.

هاشمی: اوراق قرضه، ولو رقم کوچک، بانک‌ها نیستند، مردم می‌خریدند.

معین‌فر: اختلاف من با مولوی این است، اوراق قرضه دروغ است.

هاشمی: بخش خصوصی می‌خرید.

بنی‌صدر: برای کارها که با دولت داشت، می‌خرید.

معین‌فر: باید دید اگر ضرر دارد.

هاشمی: آن روز که بودجه می‌نوشتید، در فاصله نوشتن و حالا نفت گران شد.

معین‌فر: روزهای آخر اوپک بود. برآورد کرده بودیم، روز آخر عوض کردیم.

هاشمی: کسری که قرار دادید، تناسبی بین نفت نیست. از 11 دلار نفت 20 دلار فروش می‌رود.

معین‌فر: کمبود استخراج با قیمت برابر می‌شود تقریباً.

هاشمی: لزومی دارد کسری باشد استخراج بیش تر شود.

بهشتی: خیلی فرق ندارد که اسکناس چاپ کنیم یا نفت صادر کنیم.

بنی صدر: اگر پنج میلیون دلار قرض کنیم با بهره 5 درصد، بهتر است از این که استخراج کنیم.

مسعودی: قرضی که به ممالک داده‌ایم، اقساطش کجاست [؟]

معین‌فر: در سایر درآمدهاست. قسمت چهارم اعتبارات دستگاهی و سازمان‌های دولتی است که بر حسب برنامه سه سال از 56 تا 58 نوشته شده. قسمت پنجم اختیارات است که در دستگاه‌های استانی داده شده. بودجه استانی شده، خود استان تصمیم می‌گیرد. قسمت ششم، طرح‌های خاص ناحیه‌ای و روستایی [است] که جداگانه مجوز آن گرفته شد از شورای انقلاب.

شیبانی: بودجه دانشگاه‌ها را کم کرده‌اند. باید برگردانند.

معین‌فر: پنج میلیارد بودجه‌های ... غیره را کم کردیم، چهار میلیارد.

شیبانی: دانشگاه توسعه باید پیدا کند و بودجه‌اش اضافه شود.

معین‌فر: مخارج زاید زده شده، بودجه کم شده.

بنی صدر: اصلاً دانشگاه و مؤسسات بی‌خود دارد.

باهنر: برای کارهای عمرانی که لازم است، پول می‌دهند.

معین‌فر: اگر صورت بدهند، می‌دهیم.

باهنر: راجع به حقوق‌های بالاتر از 20 هزار تومان.

معین‌فر: سوال رسمی بکنید از دولت [که] آیا اجرا شده یا نه. خارج مرکز مأمورین نفت و خارجه و غیره یک ماده واحده در هیأت دولت مطرح شد، آمده یا نه. راستی دکتر یزدی گرفت، در وزارت خارجه رسیدگی کند.

باهنر: سازمان امنیت حقوق می‌گیرند یا نه [؟]

معین‌فر: بعضی از دستگاه‌های دولت که کد آن را حذف کردیم، ولی کارمند داشتند، مثل دربار و سازمان امنیت و غیره.

کتیرائی: [به] آنها که کارمند دولت بودند، پول داده می‌شد. ولی اگر عضو سازمان بوده، پول نمی‌دهند.

بهشتی: کمیته امداد را چه کردید [؟]

معین‌فر: بودجه اصلاحیه لازم دارند.

بهشتی: الان لازم دارد.

معین‌فر: کمیته و پاسداران بودجه دارند.

بهشتی: کمیته و پاسداران را مخلوط کردید. کمیته 450 میلیون و پاسداران 870 میلیون تومان که می‌شود 1300 میلیون تومان.

مهدوی: دادگاه‌ها خرج دارد.

هاشمی: سپاه بودجه فرستاده. [برای] طرح جدید، سی هزار نفر، خلاصه بودجه 1700 میلیارد است.

معین‌فر: بودجه نهادهای انقلاب را برای اصلاحیه می‌گذاریم. توضیح راجع به جزوه کوچک تر طرح‌های عمرانی مختلف.

هاشمی: دولتی‌ها چطور از شما پول می‌گیرند.

بنی‌صدر: بودجه‌های ایران تورمی بود، تولید نبود، مصرف. ایشان بودجه ضد تورمی درست کرده. در این راه از جهت منفی مقداری فعالیت‌ها را از بین می‌برد. قبلی 15 میلیارد کسر داشته، حالا 10 میلیارد کم کرده.

بهشتی: آن بودجه مصرف نمی‌شده، روی کاغذ بوده.

معین‌فر: 880 میلیارد، مقداری از آن در [میان] مردم توزیع می‌شود.

بنی‌صدر: یک وقت خرج واقعی است، یک وقت خرج روی پیش‌بینی آینده است. در بودجه ایشان این یکی باطل شده. فرض کنید کسی سرمایه‌گذاری کرده، در عرض پنج سال از بودجه می‌برد. بحرانی ایجاد می‌کند که باید از طریق دیگر جبران شود.

بهشتی: ایشان گفتند اگر حتی بیش از 880 میلیارد خرج شود درست.

بنی صدر: بودجه‌های نظامی منحل شده، بحران است. بودجه قبلی 5 میلیارد دلار، کسر فعلی 15 میلیارد. اگر چیزی اضافه شود در ده سال 150 میلیارد و بهره آن می‌شود 190 میلیارد. تمام پول نفت بود در بیان ایشان پنج میلیارد. ده سال بعد 50 میلیارد. با قرض و کارمزد 70 میلیارد. ده سال بعد سالی 7 میلیارد قرض گذشته و قرض قبلی می‌آید.

بهشتی: قرار شد کمبود، کمبود اسمی باشد. مملکت پول دارد. لازم نیست قرض کند. ذخیره ارزی دارد.

بنی صدر: ذخیره ارزی باید همیشه بماند. زیاد می‌شود. مگر ترکیب اقتصادی ایران عوض شود. 850 میلیارد ریال پول در دست مردم دارید، چهل میلیارد کم شده، حدود 850 شده. اگر بودجه با این مصرف پیش رود، سالی 10 میلیارد قرض باید بدهیم.

بهشتی: قرض نیست. این واقعاً است.

مهندس: قرض از منابع داخلی می‌شود.

بنی صدر: سرمایه‌گذاری یعنی تجهیزات، ولی از خارج باید وارد شود.

معین‌فر: افراط و تفریط شدید است. آقای موسوی اصلاً بحث کسری را می‌گوید. موضوع انقباض و انبساط مطرح نیست. این دستگاه موجود که هیچ کارش نمی‌شود کرد، چه باید کرد [؟] یک میزان منطقی برای اصلاحات باقی آن کسری است.

بهشتی: بحث آقایان زاید است. پیش‌بینی معین‌فر تا پایان امسال از بودجه 880 فعلی، خیلی فعالیت شود 550 مصرف می‌شود.

بنی صدر: این وحشتناک است. راه حل، از پنج سال بعد 10 میلیارد بدهی داریم، چیزی برای ما نمی‌ماند. باید رفت روی خط انقلاب. دستگاه قشون می‌رود به تولید. [در] جهاد سازندگی باید کار بزرگ شود. دستگاه روحانیت مصرف را کنترل کند.

معین‌فر: میزگرد تشکیل دادیم به مردم بگوییم مصرف کار را خراب می‌کند.

بهشتی: چند شب قبل گفتم روزه به جای یک ماه، یک سال باشد.

بنی صدر: تمام بودجه عمرانی که مصرف می‌شود، به ارتش و اداری گفته شود برو کار بکن بخور.

بهشتی: امسال تمام نیروها بسیج شود. آقای بنی صدر شما وظیفه دارید.

بنی صدر: علی‌الدوام کار شما پرداخت شده.

معین‌فر: از این بحث می‌گذریم.

بهشتی: این کارهایی که باید بکنند، عرضه کنید.

بنی صدر: مسئله تریه‌بار را گفتم.

[موضوع: بررسی لوایح:]

لایحه پرداخت حقوق و مزایای کارکنان و ... در مرداد 58. تصویب شد.

لایحه اصلاح بند ب ماده 2 قانون معادن.

لایحه پرداخت حقوق محکومین سیاسی از زمان دعوت به کار 52200 - 58/5/18. تصویب شد.

قانون تبصره یک ماده دو حفاظت و توسعه صنایع. تصویب شد.

لایحه ارجاع پست سازمانی به افراد خرید خدمت (35 نفر در وزارت راه و ترابری) تصویب شد.

58/5/10 - 51502

جلسه یکشنبه 1358/5/21

[حاضران: مهندس سحابی، مسعودی، موسوی اردبیلی، شبیانی، باهنر، دکتر ایزدی (دکتر بهشتی 9/25).

[موضوع: زمین:]

دکتر ایزدی در مورد تمدید مهلت فروش و تقسیم املاک مورد اجاره به زارعان توضیح دادند. [همچنین] در مورد انتقال قسمتی از وظایف وزارت راه و ترابری و بهداری به وزارت کشاورزی توضیح دادند (دکتر ایزدی رفت، مهدوی 9/30، مهندس معین فر 9/30، مهندس جلالی 9/40، بنی صدر آمد 10).

[موضوع: لایحه جهاد سازندگی:]¹

بهشتی: لایحه جهاد سازندگی مطرح شد.

تبصره چهار ماده یک، شورای مرکب از نماینده امام در تهران، معاون وزارت کشور در امور انقلاب و معاون نخست وزیر در امور جهاد سازندگی یا نمایندگان آنها.

ماده چهار اصلاح شد. ماده هشت اضافه شد. تصویب شد (دکتر صدر آمد 10/30).

[موضوع: بودجه و هزینه‌های دولت]

بنی صدر: مذاکره با مهندس بازرگان به این نتیجه رسید که اختلاف دید داریم. مهندس گفتند غیر عنوان معاونت نمی‌شود. گفتند در شورا مخالفت می‌کنی. گفتم سیاست شما در ارتش، سیاست پولی و مالی همه مشی‌ای که در گذشته بوده است، ادامه دارد. ایشان گفتند من این مطالب را موقع پذیرفتن نخست‌وزیری گفته‌ام. گفتم اگر سیاستی را شورا تصویب کرد، من دنبال می‌کنم. قرار شد خود من بنویسم سیاست را. در مورد تصدی بانک‌ها گفتند بدون عنوان معاونت نمی‌شود.

1. به موجب این لایحه قانونی، مبلغ پنج میلیارد ریال برای اجرای طرح جهاد سازندگی اختصاص یافت (کیهان، 1358/5/25).
ص 2). اهمیت این مصوبه به دلیل نارضایتی‌هایی بود که از عملکرد دولت موقت در اعتباربخشی به این طرح مهم وجود داشت.

بهشتی: فروش هواپیمای جنگی بدون اجازه شورا میسر نیست. نامه‌ای نوشته می‌شود [مبتنی بر] تذکر شورا به دولت [که] هرگونه معامله با سلاح‌ها طبق قوانین مربوط به معاملات دولت باید با اجازه شورا باشد.

بنی‌صدر: صحبت کردم با دو دسته طرفدار فروش و مخالف [فروش]. طرفدار فروش [می‌گوید: 1] [هواپیماهای دیگر این کار را می‌کنند. 2] پشتیبانی بشود این هواپیما، وگرنه آهن‌پاره است. 3) اداره هواپیمایی محتاج تکنسین آمریکایی [است]. 4) هزینه نگهداری مشکل است. مخالفین [می‌گویند: 1] اولاً این پول را داده‌ایم، پس نمی‌دهند، حداکثر 20 درصد قیمت. 2) در فروش پایگاه اصفهان شیراز معطل. 3) خلبان کافی برای پرواز داریم، حتی زیادتر. 4) قطعات را ولو امریکا ندهد، فرض ده عدد را خرج بقیه کنیم، چهار سال می‌توانیم امنیت خود را حفظ کنیم. 5) گروگان مهمی است دست ما، مهمترین سرّ نظامی است. 6) می‌توانیم با کشورهای دیگر قرارداد ببندیم و قطعات یدکی را از آنها بخریم.

بهشتی: جنبه سیاسی است.

جلالی: چه عجله داریم [؟] کمبود ارز نداریم.

بنی‌صدر: سوءظن است امریکایی‌ها.

دکتر صدر: سیاست خارجی ما مستقل نیست، توضیح دهید. امریکایی‌ها راجع به گندم عکس‌العمل نشان داده، حتی راجع به برنج.

بهشتی: روغن نباتی را حل نمی‌کنیم.

دکتر صدر: سوبسید را قطع کنیم. برای هر کیلو سه تومان می‌دهیم. در شیخ‌نشین‌ها گران‌تر است.

بهشتی: تولید کافی است.

دکتر صدر: کافی است، فقط بیرون می‌برند. تا آخر ماه رمضان در روزنامه‌ها بنویسند.

بهشتی: خارج کردن خیلی نیست.

دکتر صدر: کویت نصف مصرف ایران احتیاج دارد. دولت سالی یک میلیارد و سیصد هزار تومان برای روغن نباتی می‌دهد.

بهشتی: واردات چقدر است [؟]

دکتر صدر: 400 هزار تن.

بنی صدر: کلی را توضیح دادیم، بودجه‌ای است مصرف می‌کند. به مقدار مصرف، تولید ایجاد نمی‌کند، ولی ایشان خیلی کم کرده، عکس‌العمل ایجاد می‌کند. باید ترتیب جذب عکس‌العمل را داد، میل به مصرف را کم کرد.

بهشتی: بودجه یک مسئله است، تولید ملی یک مسئله.

سحابی: سه برابر.

معین‌فر: این سعی و مسأوره در مصرف مرتب بودجه را نامتعادل می‌کند.

بهشتی: نفت را می‌فروشیم، پول می‌گیریم، دلار است، برای ریال احتیاج خرید جنس است.

بنی صدر: فعلاً این طور است، جور دیگر می‌شود.

بهشتی: پول همه‌اش مصرف نیست. ابزار تولید بخش خصوصی هم هست. همه این پول مشمول آن گفته نمی‌شود.

بنی صدر: در این سال‌ها هم این طور نشده. بودجه دولت 2440. وقتی خرج شد، ضریب به‌کار می‌گیرند که 2/6 است، یعنی دو برابر شش دهم قدرت تولید ایجاد می‌کند. اگر نشد، ابزار که از خارج می‌آورند، تابع واردات است. بازار خصوصی دنبال سود می‌رود و این مونتاژهاست، اثری که گفتید ندارد. در رژیم سابق، بودجه قسمت عمده در خارج مصرف می‌شد، وسایل می‌خرید، قیمت خدمات به خارجی‌ها می‌داد. اینها در داخل می‌خواهند مصرف کنند. تأثیرات تورمی زیاد است. سیاست سرمایه‌گذاری بزرگی [را] دولت [اتخاذ] بکند، وگرنه قیمت بالا می‌رود. توزیع درآمد طوری شود کالای داخلی بخرند. اگر توزیع درآمد طوری شود و پایین به بالا برود، می‌شود. یک برنامه روحانیت بگذارد برای مبارزه با مصرف زیاد، وگرنه سبب نابودی می‌شود.

بهشتی: از یک طرف دیگر می‌شود وارد شد.

بنی صدر: ارتش دارد می‌شود. سازمان اداری و ارتش خود را تا حدی که می‌تواند تولید کند، بسیج کنیم.

بهشتی: ربطی به بودجه ندارد.

بنی صدر: چرا، دارد.

بهشتی: این ارتشی‌ها با پولی که می‌گیرند، کار کنند.

بنی صدر: به عمق عرض من توجه نکردید. یک سیاست دولت دارد، باج دادن به سیاست وزیر عکس آن عمل می‌کند، یعنی ایجاد قوه خرید که بدتر از این بودجه می‌شود. سیاست دیگر که برای خوردن کار بکند و تولید ایجاد کند.

بهشتی: سیاست اقتصادی و مصرف قدرت خرید در جهت افزایش قدرت تولید باشد، در جهت افزایش تولید داخل. در کنار آن سیستمی به وجود آید [که] تولید داخل و علاقه به تولید آن به هر شکل بالا برود، عملاً آن مشکل نخواهد بود. مهم چه‌گونه تبدیل دلار به ریال از طریق سرمایه‌گذاری در راه تولید [است].

معین‌فر: مطلب بنی صدر اساسی است. جلوتر از این حرف‌ها، از 2400 که با فشار آوردیم، 1800 ماشین اداری که برگشت ندارد. برای کارهای عمرانی که توی آن هم حرف است، مقدار خیلی گذاشته‌اید. آن 880 صرف بی‌خود می‌شود. اگر خودجوش باشد، تورم نمی‌شود. خود شما اعتراض به این که چرا اضافه کار را قطع می‌کنید. بحث نیست چه مقدار دلار به ریال تبدیل می‌شود، ولی الان موقعیت اضطراری است. یک میلیون کارمند دولت کار نمی‌کند. بودجه سیاسی است، نه اقتصادی. این ارقام دو سه روز آماده نشده، چه ناراحتی‌ها ایجاد کرده.

سحابی: اگر حقوق کارمندان بخشی صرف سرمایه‌گذاری شود، پس انداز کارمندان برای سرمایه‌گذاری صفر است. کارخانجات نساجی می‌خواهند تحویل بدهند. سرمایه‌گذاری منفی است. کسی به آینده اطمینان ندارد (هرکس می‌خواهد پول‌ها را بردارد برود، بنی صدر). خروج ارز زیاد شده.

بهشتی: سه بخش قاطی بحث می‌شود. (1) دولت اگر بخواهد هزینه پرسنل را از راه صحیح تأمین کند، مالیات باشد. (2) در یک بودجه، قدرت خرید باید با افزایش عرضه باشد تا تورم ایجاد نشود. یا واردات، یا تولید. اشکال واردات وابستگی است. تورم را دولت طی سیاست اقتصادی به تدریج اصلاح کند.

بنی صدر: در اینجا کار دیگر می‌شود کرد. مبارزه با مصرف می‌شود.

سحابی: یکی ارشادی، یکی مقررات دولتی، حقوق پایین بیاید.

بنی صدر: خود توزیع درآمد مهم است.

بهشتی: (3) تکلیف ما و دولت روشن شود. دولت و ما وضعی به وجود بیاوریم که پول دستمزد و کارمند، تأثیر روی افزایش داخلی بگذارد. تولید ولو کوچک، نبودن وضع ثابت تابع توزیع بزرگ است.

بنی صدر: ماده واحده ای تصویب کنید در هر هفته، سه شب مسائل اقتصادی با مردم بحث شود.

بهشتی: سیاست ارشادی در انقلاب نیست.

معین‌فر: درک مشترک پیدا شود. عده ای کارشناس اقتصادی بنشینند، بحث کنند. رفت در تلویزیون، پر شد، ولی پخش نشد. خطاب به شما (بنی‌صدر) در روزنامه متناقض می‌گویید مثال. شهرداری تهران را من مستأصل کردم، نباید از بودجه عمومی مصرف کند. پانزده میلیارد دولت بدهد، پنج میلیاردش [را] من بدهم. چرا مالیات اتومبیل را وصول نمی‌کنید. توسلی یک کلام گفت راجع به تصدیق، عده‌ای شروع کردند حمله به شهرداری که چرا مردم را ناراحت می‌کنی.

مهدوی: ریاکاری و عوام فریبی نکنید (شوخی).

موسوی: این صحبت شد، نتیجه نگرفته نرویم.

دکتر صدر: از روز اول کار با معین‌فر و دیگری بحث بود وضع کابینه طوری نیست که هماهنگ فکر شود. تناقض را نمی‌خواهیم بیاوریم بیرون. در میزگرد دو نوع صحبت می‌شود.

سحابی: موسوی حرف‌هایی می‌زند [که] با حرف‌های شما فرق دارد.

بنی‌صدر: یا شما را مهندس بازرگان بیرون کند یا افراد متناسب شما بیاورد.

دکتر صدر: در عمل نشده. اشکال قضیه نه حزب بوده که کابینه بیاید، فرد فرد است.

بنی‌صدر: زمان مصدق سیاست اقتصادی او مشخص بود.

دکتر صدر: اگر شورا چنین تصمیم بگیرد و دولت موظف شود، لاقلاً این کار می‌شود که از مهندس تقاضا شود اختلافات رفع شود.

بنی‌صدر: ماده واحده، دولت به کمک شورای انقلاب و متخصصین روی این کار اقتصادی در رادیو تلویزیون بحث شود. رئیس جمهور فرانسه ماهی یک بار وضع اقتصادی کشور را می‌گوید، هر ماه 10 یا 15 بحث می‌شود، اقتصاد آنها رو به راه است.

موسوی: اجرای آن را بنویسید.

معین‌فر: عملاً باید داد به کارشناس‌ها.

بهشتی: این گیج‌کننده نباشد، یک تیم هدایت‌شده.

معین‌فر: هدف این باشد [که] به مردم آگاهی بدهد.

بنی‌صدر: بحث آزاد طرف را در می‌آورد. دیدید بابک زهرایی که باسوادتر بود هیچ نیاورد، 16 هزار رأی.

موسوی: ارشاد اقتصادی را افراد چه کسانی [باشند؟]

سحابی: کمیته‌ای برای بررسی تعیین شود، برنامه‌ریزی شود.



جلسه پنج‌شنبه 1358/5/25

[حاضران: مهندس معین‌فر، مهندس سبحانی، شیبانی، کتیرائی، آقای شاه‌میری برای توضیح از طرف وزیر دادگستری در مورد لایحه سررسید سفته‌ها آمد (دکتر میناچی آمد، دکتر باهنر آمد، خامنه‌ای آمد، آقای هاشمی آمد 9/20، مهندس بازرگان آمد 9/30).

[موضوع: فروش تجهیزات نظامی:]¹

1. پس از استعفای کریم سنجابی از وزارت خارجه گفته شد که وی خواهان لغو قراردادهای ایران و امریکا بود (کیهان، 1358/1/28، ص 2) و شاید این مسئله خود یکی از علل کناره‌گیری زود هنگام وی به شمار آید. چند روز بعد، سخنگوی دولت اعلام کرد قراردادهای نظامی ایران متوقف شده، اما هنوز لغو نگردیده است (کیهان، 1358/2/10، ص 4). صادق طباطبایی، معاون وزیر کشور از لغو کلیه قراردادهای خرید اسلحه، زبرداری و نیروگاه‌های هسته‌ای با آلمان خبر داد (اطلاعات، 1358/2/22، ص 2). اما سخنگوی دولت خبر فروش F-14 به امریکا را تکذیب کرد (کیهان، 1358/4/2، ص 3). با وجود تمامی این بحث‌ها، شایعه فروش سلاح‌های به جا مانده از رژیم سابق به امریکا و غربی‌ها، داغ بود. روزنامه جمهوری اسلامی در مطلبی، فروش سلاح به امریکا را خیانت به انقلاب دانست. این روزنامه نوشت: با فروش این جنگنده‌ها، که مدرن‌ترین هواپیماهای تهاجمی دنیاست، قدرت هوایی ارتش ایران را تا حد فلج، ضربه‌پذیر کرده‌ایم. این مطلب پیشنهاد کرد: حتی اگر دولت قصد فروش جنگنده‌ها را دارد، بهتر است برای دریافت بهترین قیمت، آن را در یک مزایده بین‌المللی به فروش برساند (جمهوری اسلامی، 1358/5/15، ص 8).

نهایتاً سخنگوی دولت به صورت رسمی اعلام کرد: 9 میلیارد دلار قرارداد تسلیحاتی ایران با امریکا لغو شد. این قرارداد شامل خرید F-16 و آواکس هم می‌شد. سخنگوی دولت دلیل فروش F-14 را هزینه بالای نگهداری از آن عنوان کرد (کیهان، 1358/5/20، ص 3). این تصمیم با انتقادهای جدی مواجه شد. روزنامه انقلاب اسلامی، وابسته به ابوالحسن بنی‌صدر، در مطلبی با عنوان "جنگنده اف-14، شیشه عمر امریکا"، نوشت: تا زمانی که مشی سیاسی دولت دائمی روشن نشده، دولت موقت نمی‌تواند برای فروش جنگنده‌ها تصمیم بگیرد. دولت باید کار فروش این سلاح‌ها را به دولت دائمی واگذار کند، چرا که ما بیم آن داریم که فروش این جنگنده‌ها لطمه بزرگی به آبروی ملت و انقلاب و رهبری بزند (انقلاب اسلامی، 1358/5/23، ص 6). آیت‌الله خامنه‌ای، معاون وزیر دفاع و عضو شورای انقلاب، گفت: باید در مورد لغو قراردادهای نظامی محتاط باشیم و با دوراندیشی عمل کنیم؛ زیرا ما به نیروی دفاعی کاملی نیازمندیم (جمهوری اسلامی، 1358/5/27، ص 2). اما روزنامه اطلاعات، سرنوشت هواپیماهای اف-14 را نامعلوم دانست، به دلیل این که تنها شورای انقلاب، اختیار تصمیم‌گیری درباره جنگ‌افزارها را دارد (اطلاعات، 1358/5/25، ص 2).

یزدی وزیر امور خارجه، در مهرماه 58، اعلام کرد کلیه قراردادهای ایران و امریکا از اعتبار ساقط شد (کیهان، 1358/7/15، ص آخر). وی البته چند روز بعد گفت ایران زیر بار لغو قرارداد نظامی 9 میلیارد دلاری با امریکا، که قبلاً پولش پرداخت شده، نمی‌رود؛ چون به سود امریکاست (کیهان، 1358/7/19، ص آخر). در مقابل، بنی‌صدر با انتقاد از سیاست منفعلانه دولت در قبال امریکا اظهار داشت: قطعات یدکی اسلحه را از کشورهای دیگر هم می‌توان خرید. وی در عین حال تأکید کرد قرارداد نظامی ایران و امریکا

مهندس بازرگان: در مورد فروش هواپیمای اف-14 چرا نفی کردید [؟] (دکتر صدر آمد) از اول آمدن امام صحبت بود قراردادها لغو شود و سلاح های غیرلازم رد داده شود و این خواسته همه بود. سفارش لوازم یدکی با اجازه از آقا و اینکه تبلیغی روی آن شود که لغو آن مضر است. در مورد لوازم یدکی توضیح داده شد که پول آن قبلاً داده شده و چهل میلیارد دلار دور ریخته شده است. اف-14 اصلاً به درد ایران نمی خورد، مصرف ندارد. هر ساعت پرواز، یک میلیون و دویست هزار تومان خرج دارد. پول هایی پیش آنها هست، فروشنده آمریکایی صورت می داد و از بانک می گرفت. مدتی است دکتر یزدی و کاردار فشار می آورند [که] حساب چند سال اخیر را بدهد. مسئله اف-14 و غیره این بوده و شورای انقلاب خیلی چکش نزنند.

خامنه‌ای: نامه‌ای نوشته‌اند. خود شما عضو شورا هستید. از زمان سرهنگ رحیمی دیوانه نیست، جلوه می‌کند و مهم است. اف-16 قراردادش لغو شده. امریکا حاضر نبود به ما بدهد. اف-16 را در قضیه اسرائیل به درد ما می‌خورد. آن روز به خاطر جمعی شاه به ما دادند. ظاهراً در زمان سنجابی لغو شده. دکتر صدر: [در زمان] بختیار لغو شده.

مهندس بازرگان: زمان سنجابی کاری نشده، جز مسئله سفر شاه.

خامنه‌ای: اگر اف-16 را به صورت برگ برنده نگه داریم تا در قرارداد مضر به حال ما استفاده کنیم. قرارداد با امریکا داریم، اگر لغو کنیم بر طبق قرارداد مبالغی باید داد. از آنجا برای کم کردن این خسارات استفاده کنیم. این مسئله حساس است برای مردم. چرا نیرو، حتی تهاجمی نداشته باشیم [؟] اسرائیل مطرح است، مصر مطرح است. باید از موضع قدرت حرف بزنیم. باید همه جوانب مسئله مطرح شود. طباطبایی بی مقدمه گفته است. مهندس بازرگان: مطرح بوده از خیلی قبل.

باید لغو شود (اطلاعات، 1358/8/5، ص 1). اما حرف آخر را امام خمینی زد. وی در سخنانی با حمله شدید به قراردادهای ایران و امریکا، گفت: اکثر یا همه این قراردادها به ضرر ما بوده؛ چرا که سلاح‌هایی به ما دادند که به درد ما نخورده و به ضرر ما بوده است (کیهان، 1358/8/7، ص 3). پس از این سخنان امام، پیشنهاد لغو قرارداد دوجانبه نظامی ایران با امریکا در شورای انقلاب مطرح گردید. قرارداد 1959 ایران و امریکا و قرارداد دوجانبه نظامی دو کشور پس از انقلاب عراق در این زمره قرار می‌گرفت. علاوه بر این دو فصل از قرارداد مودت ایران و شوروی هم در دستور کار شورای انقلاب واقع شد (کیهان، 1358/8/9، ص 2) تا تجلی‌گر سیاست نه شرقی، نه غربی باشد. همزمان، حادثه اشغال سفارت امریکا در تهران رخ داد و به دنبال آن، رسماً قراردادهای همکاری میان ایران و امریکا لغو شد (جمهوری اسلامی، 1358/8/15، ص 7) و قرارداد 1959 ایران و امریکا نیز از جانب شورای انقلاب کان لم یکن تلقی گردید (انقلاب اسلامی، 1358/8/20، ص 2) و پرونده تجهیزات نظامی امریکایی بسته شد.

خامنه‌ای: همان روز که مطرح شد، آقای حاج سیدمحمدتقی حسینی فلاحی هم بود. او گفت چه بود؛ نماینده دولت گفت این را نمی‌شود. گفت فدائیان خلق یا سرهنگ رحیمی گفته جا دارد [به] مسئله اهمیت داده شود. مهندس سبحانی: زمین خالی است که می‌شود ریشی از آنها گرو گرفت. این هواپیماها پولش داده شده، پس گرفتن آن با قیمت کم‌تر است. افرادی هستند که بتوانند از آن استفاده کنند و تهدید این که به شوروی می‌دهیم. خامنه‌ای: خودمان با کارشناس‌های خودمان.

مهندس بازرگان: دو کار، یکی پول گیر ما بیاید، اصراری نکردند، اول کسی که به ما گفت پول پیش ما دارید سفیر امریکا بود. راجع به اسلحه و غیره گفت با شما کنار می‌آیم [که] اف-14 از آنها بود. روی اطلاعاتی که به ما داده اند مقامات رسمی، رئیس تسلیحات فرمانده نیروی هوایی پیش از این که جنابعالی (خامنه‌ای) جزو قسمت‌های معمولی ما بود. چون هیاهو پیش آمد، طباطبایی توضیح داد که خیال نکنند این کار مورد احتیاج ماست. کلی با من صحبت کرد. خودم گفتم مصاحبه بکند. مسئله این نیست که چه کار بکنیم این را. این همه زحمت کشیدیم، لطف کردید که ترکیب ایجاد شود، در غیاب ما چیزی گفته شود. خودتان در وزارت دفاع هستید. اگر گفته بودند هر عمل از صد میلیون به بالا با ما مطرح کنید، صبح تا غروب هزار کار است. هاشمی: -

[موضوع: کارگران و وزارت کار:]

مهندس بازرگان: مشخص کنند، ما دست روی دست می‌گذاریم. نظیر این کارها روزی ده تا هست. ساعت نه می‌خواستم بیایم یاسوج، پاره سقوط کرده. [به] خوزستان، نزیه رفته چند مسئله را حل کرده، شرکت‌های حفاری فشار آورده‌اند تعطیل شوند، کارکنان ادعای خسارت می‌کنند. صبح صباغیان با دسته گل فروهر مبلغی که بریده‌اند برای کارگران دویست میلیون دلار.

مهندس سبحانی: شرکت بازرخريد کارگرانی می‌شود، کمیسیون رأی می‌دهد، بعد حل اختلاف. حالا از حیث مردم با دولت بذل و بخشش عجیب شده. مدیر بنز خاور را کارگران اخراج کرده‌اند، 840 هزار تومان رأی صادر کرده.

مهندس بازرگان: کارگری که 15 روز کار کرده، بعداً برایش معادل هشت ماه حقوق بریده‌اند. وزارت کار عجیب است. شرکت خارجی است، کارگران می‌خواهند نباشند، [برای] تعطیل آن باید غرامت داد. وزارت کار تیول توده‌ای‌هاست.

خامنه‌ای: یک مسلمان بگذارید.

مهندس بازرگان: نیرویی که بتواند کار کند.

مهندس سبحانی: خود فروهر هم هست. تعیین حداقل دستمزد را خود فروهر [تصمیم بگیرد].

مهندس بازرگان: نزیه گفته تا حدی حل کرده. شرکت‌ها تا شهریورماه کار کنند، تعطیل نشود.

خامنه‌ای: تجدیدنظری بشود در کادر وزارت کار.

مهندس بازرگان: [در خصوص] صنایع و معادن هم صحبت هست، جعفری را که فرستاده‌اند. یزدی از قول یک نفر گفته.

مهندس سبحانی: تا آنجا که از مسلمان‌ها پیدا شود، از آنهاست. اگر نباشد بچه‌های جبهه ملی یکی دو تا از مدیرانی است که در کارخانجات بوده‌اند، ممکن است چپی باشند.

[موضوع: مدیریت ارتش]

هاشمی: تذکر خارج از بحث. ارتش کوتاهی کرده، هلی کوپتر نداده، پاوره دیشب سقوط کرده. مسئول آن ارتش است. رسیدگی شود چه کسی مسئول است. آقا تلفن کردند ضمناً [که] پاوره را بگیرید.

خامنه‌ای: هوانیروز فرمانده‌اش مشکوک است.

مهندس بازرگان: ارتش در وضع ضعیف است. روی آن نمی‌شود حساب کرد. لشکر رضائیه متزلزل شد.

خامنه‌ای: امید برمی‌گردد.

هاشمی: کمیسیون تصمیم گرفت فرمانده پادگان عوض شود. نکردید.

خامنه‌ای: در انتصابات بالا که مقداری سخت‌گیری است، متأسفانه کسی را منصوب کردید.

مهندس بازرگان: بنده منصوب کردم؟ ایراد که گرفته‌اند [این است که] باجناب او مشروب خورده.

خامنه‌ای: معروف است [عامل] ارتقاء او خانمش بوده. مادرزنش قمارباز است، معروف به مشروب‌خوار است. او اعتقاد به حرف‌های شما ندارد.

مهندس بازرگان: شما شاکر را پیدا کردید. درباره او چه چیزها که می‌گویند از جمله.

بنی صدر: -

خامنه‌ای: در مورد شاکر، یک دهم فرید است.

هاشمی: -

مهندس بازرگان: وزیر جنگ و غیره گفتند بیش از این نباید صبر کرد.

خامنه‌ای: [با] ابلاغ ایمانیان، مصطفوی سرپرست بود.

مهندس بازرگان: مرتب ریاحی می‌گفت وضع انفجار است. من خدمت جنابعالی، چمران و دیگران گفتم تا پنج‌شنبه تکلیف او را معین کنید. جمعه گذشت، تکلیف روشن نشد. شیرازی حاضر نشد، از دکتر ابتکار پرسیدم، نتوانست. نه قمار او را به من گفت و نه مادرزنش و نه [...] در دستگاه دولتی نظیر این مسائل زیاد است. سپهبد آذربزین در شورای دفاع آمده بود، خیلی در متن ارتشی‌ها نفوذ دارد، گفت باقری بسیار خوب است و اگر او بیاید شیرازی معاون او می‌شود.

خامنه‌ای: ما در صدد بودیم در سرهنگ‌ها یکی را پیدا کنیم.

مهندس بازرگان: شما می‌گویید کار ضربتی است.

خامنه‌ای: این مطلب هم حرفی ایجاد می‌کند، مسائلی پشت گوش می‌افتد.

مهندس بازرگان: سپهبد آذربزین را از او پرسیدم، گفت یک عده خاص این حرف‌ها را علیه او مطرح می‌کنند.

خامنه‌ای: وزیر دفاع گفت نمی‌شود او را ببخشید.

کتیرائی: گذشته اش بوده یا حالا هست [؟]

مهندس سبحانی: عرق خوری در ارتشی ها هست.

خامنه‌ای: قماربازی ولیان^۱ از شرایط علیه او بود در آن رژیم.

[موضوع: ادامه بحث درباره فروش تجهیزات نظامی:]

هاشمی: قضیه هواپیماها ضمن این که لغو قرارداد است، از نظر سیاسی مهم‌ترین مسائل دنیاست. تحت فشار همین امتیاز، در عربستان، لیبی و مصر امتیاز می‌گیرند. در افکار مردم ساده نیست در صحبت‌های با ما. مسائل جزئی را قبول دارم. نباید آورد. این مسئله به نفع دولت، شورا و غیره است. نمی‌دانم کارشناسی به ترتیب کرده‌اند یا نه. موقع خرید یک اصل کارشناسی به ترتیب می‌کنند. تمام اینها را ایرانی‌ها می‌رانند. گزارش بدهند مشهد. هر شب جزو سوالات این بود که اف-14 را می‌فروشند، اگر بناست ما نظر ندهیم، ما را در جریان بگذارند، گزارش بدهند نظر مشورتی بدهیم.

مهندس بازرگان: جلوی اعتراض.

معین‌فر: مشکل آنجاست که ترکیب حفظ نمی‌شود، نه دوستان در دولت هستند، نه وزرا در شورا می‌آیند.

مهندس بازرگان: وزارت دفاع کارش با جایی نبود. نه بودجه، نه روابطش با خارج. برای خودش بود و شاه، متأسفانه یکی دو تا هست. بسیار قرارداد هست. دو ماه قبل ریاحی آمد، گفت آمده ام امداد کنم. قرار شد کمیسیون یک نماینده [از] وزارت خارجه، یکی وزارت دارایی، یکی حقوقی، مرتب این قراردادها را رسیدگی می‌کند.

خامنه‌ای: کمیسیون چیست [؟] کجا تشکیل می‌شود [؟] (جلالی آمد 10/20).

[موضوع: بودجه 58:]

2. سرهنگ عبدالعظیم ولیان (73-1304) که از حوزه نظامی به حوزه خدمات کشوری انتقال یافته و وزیر تعاون و امور روستاها، وزیر اصلاحات ارضی، استاندار خراسان و نایب‌التولیه آستان قدس رضوی در رژیم شاه بود.

هاشمی: 50 میلیون تومان برای امداد لازم است، بدهید.

معین‌فر: از بودجه دولت بدهیم [۹]

مهندس سبحانی: مجموعه نهادهای انقلابی، کمیته‌ها، پاسداران، دادگاه و غیره قرار شد.

معین‌فر: سه ماه قبل مطرح شد.

مهندس سبحانی: پریروز مطرح شد بودجه کل اینها را.

معین‌فر: چهار میلیارد باید ریز بدهند.

مهندس سبحانی: این را بررسی کردند و مجموع صورت آن را دادند.

معین‌فر: الان که پنج ماه از سال می‌گذرد.

مهندس سبحانی: پول کمیته امداد که لنگ شده.

هاشمی: کمیته گفت ماهی 50 میلیون تومان. پاسداران یک میلیارد و هفتصد میلیون تومان در سال، جهاد سازندگی.

باهنر: اهمیت این نهادها را رد نکنید.

هاشمی: شما سقف را بگذارید.

معین‌فر: شما بگذارید. سقف گذاشتن دلیل پرداخت نیست.

مهندس سبحانی: سقف بگذارید (بنی صدر آمد 10/45).

معین‌فر: رقم اضافه شده 2463 میلیارد ریال شد. برای توجه به نهادهای انقلابی که بودجه آن سه میلیارد تومان

است و نهاد انقلابی هفت میلیارد (دکتر میناچی رفت 10/55). اصلاحات دیگری هست که کدها اصلاح شده.

مابه‌التفاوت از 22859629000 ریال است که این رقم به ردیف 501004 اضافه خواهد شد و ردیف مزبور

که به‌عنوان هزینه‌های مربوط به نهادهای انقلابی (پاسداران، کمیته‌ها، دادگاه‌های انقلاب و امداد) تغییر عنوان یافته

است، اضافه شد و با این ترتیب این ردیف معادل 29859629000 [می‌باشد]. تصویب شد.

1) لایحه بودجه سال 58 با اصلاحات تصویب شد.

(2) لایحه تکلیف کارکنان دربار سابق.

(3) لایحه نحوه بازنشستگی و بازخرید کارکنان سازمان شاهنشاهی.

(4) لایحه اصلاح قانون مربوط به سررسید سفته‌ها.

(5) لایحه مطبوعات.

